



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

دامل، کلبه فواین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۳۱۴

شنبه ۱ بهمن ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۵۹

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۵۹

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۵ شنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب:

۱- تصویب صورت مجلس

۲- تقدیم اساسنامه شرکت ملی تلفن ایران جهت ارجاع بکمیسیون پست و تلگراف بوسیله آقای وزیر پست و تلگراف و تلفن  
۳- معرفی آقای دکتر ملک اسمعیلی بمعاونت سیاسی و پارلمانی نخست وزیر بوسیله آقای کاظمی نایب نخست وزیر

۴- استرداد تبصره لایحه اختیارات بوسیله آقای نایب نخست وزیر  
۵- طرح لایحه اختیارات آقای دکتر محمد مصدق نسبت وزیر  
۶- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه



مجلس ساعت ده و سه ربع صبح بریاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس  
نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه  
قبل قرائت می شود  
(شرح زیر قرائت شد)  
غائبین با اجازه آقایان: مشار، احمد فرامرزی، اورنگ  
غائبین بی اجازه آقایان: دکتر امامی عبدالرحمن فرامرزی، شاپوری، صراف زاده، یارسا، راشد، دکتر ملک دیر آمدگان با اجازه آقایان: مهندس فروری، منصف، کعبه، امیرافشار دیر آمدگان بی اجازه آقایان: زهری حائریزاده، دکتر کیان غائبین در رأی آقایان: هدی، یک رأی حائریزاده، یک رأی

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی هست؟ آقای کعبه کعبه - یک مختصر اشتباهی در عرایض پریروز بنده شده است که تصحیح می کنم و باداره تند نویسی می دهم  
نایب رئیس - بسیار خوب، آقای ذکائی  
ذکائی - تلگرافهایی از اهالی خلخال مبنی بر پشتیبانی از جناب آقای دکتر مصدق رسیده است که تقدیم مقام ریاست می کنم  
نایب رئیس - آقای وکیل پور بفرمائید  
وکیل پور - در صورت جلسه قبل بنده عرض کردم که تصحیح شده با ریاست معظم

مجلس باشد در همان روز هم عرض کردم که معذرت می خواهم خواستم عرض کنم که مقصود تصور بوده و از مقام ریاست عذر خواهی میکنم  
نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - در عرایض جلسه گذشته بنده اشتباهاتی شده که تصحیح میکنم و می دهم بپندنویسی و ضمناً تقاضای سی نفر از آقایان نمایندگان را تقدیم میکنم مبنی بر اینکه لایحه دولت مربوط بموافقت نامه ترانزیتی بین ایران و ترکیه در دستور قرار بگیرد و چند تلگراف هم از تبریز مبنی بر پشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق رسیده است که تقدیم می کنم

نایب رئیس - آقای یارسا  
یارسا - بنده با اجازه هیئت محترم رئیس باذریباجان رفته بودم برای مرخصی و دیشب وارد شدم و جزء غائبین بی اجازه نبودم

نایب رئیس - اجازه شما هنوز در کمیسیون محاسبات تصویب نشده است، آقای انگچی فرمایشی دارید؟

انگچی - بلی طومار پست از گلیایگان رسیده است راجع بخدمت شرکت بانوان در انتخابات که تقدیم میکنم

نایب رئیس - آقای مصدق  
مصدق - تلگرافی است از تبریز رسیده است بامضای عده زیادی از جوجه اهالی تبریز که ضمن اظهار اعتماد علاقه نسبت بدولت از تحریکاتیکه می شود اظهار نگرانی کرده اند آنرا تقدیم میکنم

نایب رئیس - رسیدگی می شود، آقای شهیدی  
شهیدی - تلگرافی است از فارغ التحصیلان دانشسرای اصفهان برای پشتیبانی از دولت که تقدیم میکنم

نایب رئیس - در صورت مجلس دیگر نظری نیست (اظهاری نشد) صورت

مجلس جلسه سه شنبه ۲۳ دیماه تصویب شد چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند وقت هم دیر است (جمعی از نمایندگان - دستور، دستور) آقای خلخالی جناب عالی هم کله مند نمیشوید چون وقت دیر است با موافقت آقایانیکه تقاضا کرده اند از نطق قبل از دستور صرف نظر می شود

دکتر شایگان - فقط اجازه بفرمائید چندتا از طومارهاییکه رسیده است تقدیم کنیم، نطق نمیکنیم

نایب رئیس - اگر جناب عالی بخواهید بفرمائید آقایان دیگر مقدم هستند

دکتر شایگان - بسیار خوب بعد تقدیم می کنم

۲- تقدیم اساسنامه شرکت ملی تلفن ایران جهت ارجاع به کمیسیون پست و تلگراف بوسیله آقای وزیر پست و تلگراف

نایب رئیس - وارد دستور میشویم آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که در ۲۵ آذر لایحه ملی شدن تلفن از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و طبق ماده ۲ آن لایحه تمام مؤسسات شرکت سابق تلفن از تاریخ سه شنبه شانزدهم دیماه بتصرف دولت درآمد و طبق مواد دیگر این لایحه کمیسیونهاییکه مصرح است تشکیل شده از نظر تعیین بهای سهام و پرداخت قیمت آن بصاحبان سهام و ضمناً مقرر است که اساسنامه شرکت را بایستی دولت تدوین بکند و پس از تصویب کمیسیون پست و تلگراف بوقوع اجرا بگذارد اینک اساسنامه شرکت که در ۲۲ ماده تدوین شده و هیئت

دولت هم تصویب فرمودند تقدیم می شود که بکمیسیون بیست و نگراف برای تصویب نهائی ارسال بشود و ضمناً از آقایان اعضاء کمیسیون تقاضا دارم که این اساسنامه را هر چه زودتر تصویب فرمایند که شرکت از بلا تکلیفی در پیاید و نظریات اصلاحی آقایان نمایندگان محترم را بموقع اجراء بگذارد .

**۳ - معرفی آقای دکتر ملک اسمعیلی بمعاونت سیاسی و پارلمانی نخست وزیر بوسیله آقای کاظمی نایب نخست وزیر**

**نایب رئیس -** آقای کاظمی **وزیر دارائی -** بنده از طرف جناب آقای نخست وزیر آقای دکتر عزیزالله ملک اسمعیلی رابمعاونت سیاسی و پارلمانی نخست وزیر معرفی می کنم ( مبارک است - مبارک است )

**۴ - استرداد تبصره لایحه اختیارات بوسیله آقای نایب نخست وزیر**

**نایب رئیس -** لایحه تقاضای اختیارات دولت مطرح است در کلیات آقای دکتر بقائی مخالف هستند تشریف ندارند ؟ ( حائری زاده - بنده هستم ) آقای حائری زاده .

**وزیر دارائی -** بنده چند کلمه عرض داشتم .

**نایب رئیس -** فرمائید ، آقای حائری زاده چند دقیقه تأمل فرمائید

**کاظمی (نایب نخست وزیر) -** بنده می خواستم خاطر آقایان رامتوجه بکنم بتبصره ای که ضمیمه بود بلایحه تمديد اختیارات چون در جلسه گذشته مذاکراتی در مجلس شورای ملی شد و آقای مجدزاده پیشنهادی فرمودند که مورد موافقت همه آقایان قرار گرفت و دیگر مثل اینست که ابهامی در این خصوص باقی نیست بنده با اجازه آقای نخست وزیر این تبصره را مسترد می دارم و میل دارم که این مطلب را بالصراحت در اینجا عرض بکنم که همانطور که آقای وزیر کشور دوبار در اینجا بمرض نمایندگان محترم رسانیدند هیچوقت دولت منظوری نداشته است که منجر بشود باینکه آن پیشنهاد بشود حالا برای اینکه این موضوع مرتفع شده باشد بنده بالصراحت عرض می کنم ممکن است در صورت مجلس قید بشود که اگر در ضمن لایحه انتخابات جدید راجع بعد نصاب تغییری حاصل شود دوره هفدهم تقبیل مجلس شورای ملی مشمول آن نخواهد بود و این را استدعا می کنم که در صورت مجلس نوشته بشود . آن تبصره هم باین ترتیب مسترد میشود

**۶ - طرح لایحه اختیارات آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر**

**نایب رئیس -** لایحه اختیارات مطرح

است آقای دکتر بقائی چون حاضر شده اند نوبت ایشان است . فرمائید آقای دکتر بقائی .

**دکتر بقائی -** بنده برای انجام وظیفه ای که بهنده من واگذار شده است باینکه بدولت جناب آقای دکتر مصدق رأی اعتماد داده ام و تا وقتی که ایشان بخواهند کار بکنند و تقاضای رأی اعتماد بکنند باز هم خودم و آقای زهری که نماینده حزب زحمت کشان ملت ایران هستیم بایشان رأی اعتماد خواهیم داد ولی با کمال تأسف مجبور هستیم با تقاضای اختیاراتی که ایشان از مجلس کرده اند مخالفت بکنم و چون بیان دلایل این مخالفت ممکن است از حد مقرر در آئین نامه تجاوز بکند قبلاً از آقایان محترم تقاضا می کنم اجازه فرمایند که تمام استدلالات خود را بعرض مجلس مقدس شورای ملی برسانم .

بدم آنروز من از طایفه درد کشان که نه از تانک نشان بود و نه از تانک نشان آنروز بیکه ما مبارزه را در همین مجلس شروع کردیم ، آنروزهای تاریک و خطرناک اسفندماه ۱۳۲۷ یعنی در همان مواقعی که بدستور انگلستان مجلس مؤسسان در این مملکت تشکیل شده بود ، در همان مواقعی که می خواستند قانون اساسی ما را پایمال بکنند ، آنروز هیچ این حرفها نبود ما برای یک مبارزه بسیار بزرگی خودمان را آماده کردیم و وارد مبارزه شدیم . در آنروز ما سه نفر بودیم یکی آقای حائری زاده یکی آقای حسین مکی و یکی هم بنده حقیر دیگر هیچ این چیزها نبود . تمام نقشها در سینه ها حبس شده بود صدا از کسی بیرون نمی آمد چند روز پیش از اینکه من از کرمان بتهران بیام آن قانون مطبوعاتی که در آن موقع بآن می گفتیم قانون تنگین و حالا باید بگوئیم خیلی قانون خوبی بود ، آن قانون مطبوعات حکمفرما بود و چنان هم حکمفرما بود که توی روزنامه ها هیچ مطلبی نمی گذاشتند نوشته بشود و توی چاپخانه ها هم هیچ چیز نمی گذاشتند چاپ بشود . اگر آقایان نمایندگان محترم بخاطر داشته باشند یک عریضه سرگشاده ای که در بدو تعین به پیشگاه اعلیحضرت هایبونی نوشته بودم با تمام جهد و کوششی که کردم در هیچ چاپخانه ای حتی چاپخانه مجلس شورای ملی نگذاشتند چاپ بشود و این مدرک تاریخی را من نگاه داشتم که حروفچینی آن عریضه شده بود غلط گیری شده بود غلط گیری آخر که نمونه سوم باشد که برای اجازه چاپ پهلوی من آورده بودند آن هنوز نزد من باقی است دستور دادند که چاپ نشود و بهمین جهت آن عریضه را در ابتدای استیضاح خودم بعرض مجلس شورای ملی رساندم . آنروز ما شروع بمبارزه کردیم برای حفظ آزادی ، برای حفظ قانون اساسی و برای اصولی که قسم خورده بودیم آن اصول را حفظ کنیم . من اکنون

شرمند هستم از تمام بیاناتی که خود من و سایرین علیه قانون مطبوعات اقبال زنکنه پشت این تریبون کردیم تا شرمند هستیم تا آن مبارزه عجیب را شروع کردیم ملت ایران بیدار شد ، ملت ایران امیدوار شدو بایک رشادت و غیرتی که در گمتر ملتی میتوان سراغ کرد . باشکم گرسنه و تن برهنه پیام کرد و بزرگترین شکست را به بزرگترین امپراطوری دنیا داد در نتیجه همان تلاش و همان مبارزات بالاخره بخواست خداوند موفق شدیم یک دولت ملی که منظور همه بود سر کار بیاوریم . دولت آقای دکتر مصدق شروع بکار کرد و الحق در زمینه سیاست خارجی بسیار خوب عمل کرد و بهمین جهت با وجود نارواییهایی که در سیاست داخلی وجود داشت ماهم راه عمل کردیم برای اینکه سیاست خارجیمان پیشرفت بکند اکنون برای من بسیار دردناک است که در اینجا وظیفه ای را باید انجام بدهم که مورد پسند اکثریت نخواهد بود ولی بیک نکته را باید حضور آقایان عرض کنم . آنروزی که در کرمان تصمیم بمبارزه گرفتم آنروز دستوراتی از مرکز میرسید که مردم را مجهز بکنند برای مجلس مؤسسان و تظاهراتی آنجا بکنند ، تلگرافات بفرستند در آنروز انتظار کشیدم که یک کسی در تهران شروع بمبارزه بکند و منم از کرمان برایش دست بزنم چون تا آنوقت وارد مبارزه نشده بودم و فکر هم نمیکردم که بیکروزی مجبور بمبارزه بشوم و روی بمرفته هم رفقایمان می دانند که یک آدم تنبلی هستم ( صحیح است ) صحیح است میخائیم ولی در آنروزها که شاید بگفته تمام خواب بچشم من نرفت ، خیلی فکر کردم ، تمام عواقب و خطرات را سنجیدم ولی بالاخره باین نتیجه رسیدم که در موقعی که اراده انگلستان تعلق گرفته است بر این که دفتر مشروطیت مابسته شود و لوازمی که ما شکست بخوریم ولو اینکه نابود بشویم باید بکنفر پیدا شود و بگوید نه . مدت ها انتظار کشیدم که یک کسی این ( نه ) را بگوید در کرمان انتظار کشیدم ولی صدای این نه را نشنیدم . بعد یکشب با خودم فکر کردم که تو با باید همین جابجایی و از تمام ادعاها و افتخارات خودت چشم پوشی باید بگویی من پسر میرزا شهاب کرمانی نیستم و باید بگویی هر چه ده سال در مدارس و دانشگاه راجع بحق و آزادی درس دادم غلط کردم و دروغ گفتم و تزویر کردم یا اینکه باید بروی تهران و مخالفت بکنی ، گرفتن این تصمیم برای من خیلی سخت بود کسانی که آنروزها وارد سیاست بودند بخاطر دارند که دوران بسیار خطرناکی بود ، من تصمیم خودم را گرفتم و دست بیک عملی زدم که اسس انتحار بود . انتحار سیاسی و اجتماعی . در تهران دونفر همانطور که عرض کردم همراه من بودند همفکر وهم عقیده من بودند ، یکی آقای حائری زاده ، یکی آقای حسین مکی ماسه نفر وارد مبارزه شدیم .

نمیخواهم جریان مبارزه را بگویم و تمام طول این مبارزه هدف و شعار من در خارج از مجلسم که بهمفکری و همکاری شتافته بودند ، بیکس این آقایان است که الان در مجلس در خدمت آقایان هست .

شماری که ما برای خودمان انتخاب کردیم این بود که ما برای راستی آزادی قیام کردیم و تصمیم گرفتیم که اصول خارج نشویم . بیکمرتبه بایک استدلال که بنظر صحیح می آید از اصول خارج شدیم ولی تجزیه نشان داد که این استدلالها صحیح نبوده است و باینجهت بیرونی شماری که از اول انتخاب کرده بودند نمودیم و دیگر امیدوارم تا آخر عمر در چنین اشتباهی نشوم . ما یک هدفهایی را کردیم که در روزنامه شاهد نوشته شد و دوماه بعد از آنکه در روزنامه شاهد نوشته شد و روی آن مقالاتی نوشته شد و دوماه بعد از روزنامه شاهد همان هدفها به عرض هدف جبهه ملی در مملکت ایران منت شد و تا اینساعت هم در چنین مجلسی این مطلب را عرض نکرده بودم که آن چیزها هدف جبهه ملی بود ابتکار نویسندگان روزنامه شاهد و دوستان من بود و این افتخار را ما داریم . روزنامه هایش هم هست هر که میخواهد می تواند مراجعه کنند و به پیش دوماه بعد از آنکه ما بعنوان هدف خود آنرا معرفی کردیم . اینها به عنوان هدف جبهه ملی قبول شد . اینها چند چیز بود . یکی الغاء قانون مطبوعات این زنکنه . یکی اصلاح قانون حکومت نظامی یکی اصلاح قانون انتخابات و بالاخره آخریش موضوع نفت - اگر من از اهل و مرحمت آقایان محترم بیک قدری استفاده میکنم و این مطالب را در این عرض میکنم برای اینست که عملی الان دارم انجام میدهم و این خوشبختی را دارم که میتوانم با نهایت سربلندی پشت این تریبون بعرض ملت ایران برسانم که حزب رستمکشان ملت ایران هم در این امر بامن موافقت دارند و دیشب در شورای فعالین حزب تصمیم گرفته شد و تصویب شد که بنام حزب بالایحه اختیارات مخالفت بکنم ولی تمام این تفصیلات مانع از این نیست که ما بخوبی توجه داریم که در شرایط امروز این عمل ما آنچنان چیز نیست بآن انتحار سیاسی میکنند برای اینکه الان در یک وضعی قرار داریم که همان ایرادی را که من بکاینه ساعد میکردم بکاینه دکتر مصدق باید بگویم . همانطور که در زمان کاینه ساعد نمیگذاشتند صدای ما بملت ایران برسد امروز هم اجازه نمیدهند که این را بدو در تمام مملکت صدای ما را بلند بکنند این همان ایراد هست و ما باید برخلاف جریان شنا بکنیم همه میدانند که اگر کسی بخواد با ما

و در میتواند بالباس خودش را بپوشد از توی  
 در خانه رودخانه او را میبرد ولی اگر کسی  
 و است برخلاف جریان شنا بکند باید  
 ل لباسهای را در بیابان که بتواند  
 بد قدمی شنا بکند و اینکه این خاطرات  
 گذشته را من حضور آقایان عرض میکنم  
 این در حکم همان در آوردن لباس است  
 آنها را دانه دانه در می آورم که مخالف  
 جریان شنا بکنم . عکس العکس را هم  
 خوبی میدانم ؛ تلگرافات تنفر . نقطه های  
 رادیو ؛ مقالات روزنامه ها ، کشف شدن  
 اینکه با انگلستان یا آمریکا با روسیه با  
 پول داده استناد بر ادبوهای بیگانه ، ولی  
 آنها را اما گفته کرده ایم . اینها را پیش  
 از اینکه دیدیم یک دفعه دیگر پشت همین  
 بیون گفتم من شتر نقره خانه هستم حالا  
 هم تکرار میکنم از اینکه توی رادیو  
 هر آت دانسته باندانسته یا مزدور اجنبی  
 بداند بیم وهراسی ندارم . برای من فقط یک  
 چیز حساب میشود و آن اینست که پیش  
 و بعد خود و پیش خدای خود سرافکنده  
 نشامد برای من همین کافی است . عرض  
 میکردم آنوقتی که در کرمان تصمیم به  
 مبارزه گرفتم با وجود اینکه یکسال و چند  
 ماهی بود که وکیل مجلس بودم ولی در  
 سیاست وارد نبودم و هیچ سر رشته ای هم  
 نداشتم . حالا هم اطلاع زیادی ندارم حالا  
 هم اقرار میکنم ولی یک چیز راهنمای من  
 بود و آن الهام قلبی بود ، او مرا راهنمایی  
 کرد . گفت باید بروی و این وظیفه خودت  
 را انجام بدهی هر چه میخواهد بشود بیشتر  
 آقایان که در اینجا تشریف دارند چه  
 کسانی که در آن موقع در مجلس بودند و  
 چه کسانی که در مجلس نبودند یا در آن هست  
 کمی آمدند توی همین اطاق بازرسی و مرا  
 از اینکار منع می کردند ، می گفتند که  
 ضروری روی آن الهام باطنی که بمن امر  
 داده بود برو وظیفه است انجام بده تمام اوامر  
 و تقاضاهای دوستان را رد کردم . حالا هم  
 همین طور است حالا هم آن الهام قلبی  
 بمن می گویند این اختیارات به صلاح مملکت  
 نیست در اینصورت خدای داد چه قدر دوستان  
 صمیمی من آمدند که آقا این چه کاریست که  
 داری می کنی ؟ این انتخاب است . این خود  
 کشی است . نابود می شوی . چه می شوی  
 مثل عبدالقدیر آزادمی شوی ، تمام اینها را  
 بمن گفته اند ، البته از روی دوستی و محبت .  
 ولی وقتی که من تشخیص دادم وظیفه من اینست  
 که آنچه را که بنظر من حقیقت میرسد بگیرم  
 و وظیفه خودم را انجام بدهم و بخوبی می دانم  
 که کوچکترین تأخیری نخواهد داشت ،  
 بخوبی می دانم که مجلس با این لایحه اختیارات  
 رای خواهد داد ( حائری زاده . همچو  
 اطمینانی هم نداشته باشید . ) معذک پرده  
 دری نمیکنم . مطالبی را هم که شایسته  
 نیست نمیکنم . فقط با آقایان محترم عرض  
 می کنم که موقعی که رای می دهند باین

لایحه اختیارات می آیند این جا رای های سفید  
 شان را می اندازند توی ظرف رای ، یک  
 فکر میکنند . جوابش را هم از ایشان نمی  
 خواهم چون جواسرا هم می دانم چیست  
 فکر کنید که اگر این رای را رای مخفی  
 می دادند باز هم همین رای را می دادند یا نه ؟  
 ما برای راستی و آزادی قیام کردیم و تمام  
 تلاش خودمان را هم درین راه کرده ایم . یکی از  
 هدف های ما ازین بردن قانون مطبوعات  
 اقبال زنکنه بود . آمدمی سمی کردیم کوشش  
 کردیم ، اختیارات برای دولت تحصیل کردیم  
 باین امید که این هدف هائی که ما داشته ایم و  
 شان را انجام می بوسیله مجلس مقدور نبود یا  
 مشکل بود ، بوسیله این اختیارات انجام  
 بگیرد . اگر آقایان محترم بخاطر داشته  
 باشند یکی از دلایلی که برای اختیارات  
 ذکر شد ؛ یکی از قوی ترین دلایل این  
 بود که در این موقع که سیاست خارج ما را  
 در مضیقه اقتصادی قرار داده بایست که فکری  
 برای رفع این بحر اقتصادی بکنیم و یکی  
 از این فکرها مالیات بر ثروت است . یکی  
 از دلایل اساسی اختیارات این بود آقایان .  
 وجود ممکن است در مجلس سهولت نگذرد  
 ممکن است در کمیسیونها مدفون بشود این  
 اختیارات را بدهیم تا این مالیات بر ثروت آنهم  
 برای یکبار گرفته بشود . آقایان جاسه  
 خصوصی قبل از اختیارات خاطرشان هست  
 که جناب آقای دکتر مصدق تشریف آوردند  
 صحبت کردند که این مالیات گرفته بشود  
 آنروز های اول هم که اختیارات گرفته  
 شده بود یک سروصدائی شد حتی گویا  
 یک طرحی هم تهیه شد ، شاید هم دستور  
 اجرائی داده شد ، بعد تمام شد . از آن که  
 خبری نشد . بسکسی دیگر  
 رفع سختی معیشت بود که بایست که فکری  
 برای آن پیشوی یکی از این فکرها هم  
 تقلیل کرایه خانه بود که آنهم بهمین وسیله  
 می بایست انجام بگیرد از آنهم خبری نشد  
 نشد ، نشد تا بعد از مدت ها که گفتیم و نوشتیم  
 و شنیدیم اخیراً شنیدیم یک لایحه ای برای  
 تقلیل ده درصد امضاء شده است در صورتی  
 که وقتی بخواهند یک چنین لایحه ای را بامضاء  
 برسانند بایستی اول فکر بکنند که در علم  
 اقتصاد کرایه خانه یک تناسبی دارد با درآمد  
 اشخاص و باید آن تناسب را در نظر بگیرند  
 در آمد متوسط افراد را هم در نظر بگیرند  
 و آنوقت روی این یک فکری بکنند یعنی  
 آن کارگر بیچاره ای که روزی سه تومان  
 حقوق میگیرد و ماهی چهار تومان کرایه اطاق  
 می دهد فرضاً چهار تومان ازش کسر شود  
 این بچه در دوش میخورد ؛ حالا راجع باینها  
 نمیخواهم صحبت بکنم یکی از روزها اینکه  
 در خدمت آقای دکتر مصدق در لاهه بودیم  
 صحبت میشد از اختیارات و کارهایی که باید  
 بشود ایشان فرمودند که باید یک فکری برای  
 مطبوعات بکنیم یک قانون مطبوعات بنویسیم  
 بنده به ایشان عرض کردم که من امبارم

که این اختیارات را مجلس بجناب عالی بدهد  
 ولی از برای خدا دیگر صحبت قانون مطبوعات  
 را نکنید اصلاً قانون مطبوعات نکند  
 دارد و تا یک ساعت بعد از ظهر تمام برای  
 ایشان استدلال کردم و بهمان دلیل دعوتی که  
 برای تنظیم قانون مطبوعات کردند دردم کردم  
 و گفتم صلاح نیست . مطبوعات را می شود  
 اصلاح کرد اما نه بوسیله قانون اگر عمل  
 دولت ها صحیح باشد مطبوعات اصلاح میشوند  
 اگر صحیح نباشد هیچ قانونی نمیتواند  
 اصلاح بکند ولی خوب مدشنه بود که  
 قانون مطبوعاتی بنویسند نوشتند و این را  
 در معرض افکار عمومی گذاشتند این چیزی  
 است که بعضی از آقایان می آیند اینجا و  
 به رخ میکشند که در معرض افکار عمومی  
 میگذازند بعد از آنکه در معرض افکار  
 عمومی گذاشتند دو ماده ای اضافه شد معنی اش  
 این بود که در نتیجه مراجعه با افکار عمومی  
 این دو ماده اضافه شده بکیش اینست که اگر  
 یکی اهانتی در مطبوعات شده باشد یا اهانت  
 تلقی کند طبق قانونی که اول در معرض  
 افکار عمومی گذاشته بودند این شخص می  
 توانست شکایت بکند و بشکایتش رسیدگی  
 بشود و در صورت ثبوت بدر مدیر روزنامه  
 را در بیارند ولی در این اصلاحی که کرده اند  
 نوشته شده در صورتی که آن شخصی که  
 خودش را طرف توهین دیده تقاضا بکند  
 از دادستان روزنامه طبق تقاضای او توقیف  
 میشود و بعد محکمه رسیدگی میکند و  
 چنانچه حق با آن شخص بود روزنامه و  
 دستگاهش مطابق قانون مطبوعات تنبیه می  
 شوند و مجازات میشوند چنانچه آن شخصی  
 که ادعای توهین کرده محکوم شد نمیگویند  
 فوراً همان محکمه غرامت روزنامه را معین  
 بکند مدیر روزنامه میتواند بمراجع صالحه  
 مراجعه بکند و خسارت خودش را مطالبه  
 بکند شماره بخدا فکر بکنند که اگر این دو  
 ماده را در قانون اقبال زنکنه عقلشان رسیده  
 بود و گذاشته بودند ماهیچ روزنامه ای در  
 آن موقع نمیتوانستیم انتشار بدهیم ؛ یکی از  
 آنها شکایت میکرد روزنامه را توقیف می  
 کردند ولی این ریزه کاریهایی که در این  
 قانون شده در قانون اقبال زنکنه عقلشان  
 نرسیده بود بگذارند در این قانون نوشته اند  
 کارمند دولت نمیتواند روزنامه داشته باشد  
 کارمند نفت هم نمیتواند داشته باشد و قس  
 علی ذلک آنوقت آقا فرضاً میرفت بمحکمه  
 و وقتی که نمیتوانست ثابت بکند که توی  
 روزنامه بهش توهین شده و آن تقاضا کنند  
 را محکوم بکنند آنوقت مدیر بیچاره روزنامه  
 باید برود بیک محکمه دیگر و آن کاغذ را  
 هم ببرد که محکمه آقای نبوی را محکوم  
 کرده است که بیخود گفته است که بهش  
 توهین شده حالا شما تعیین خسارت بکنید  
 این شش سال طول میکشد که تار سیدگی  
 بشود و از زندگیش وامباند و تازه نتیجه ای  
 هم نمیکند برای اینکه روزنامه خسارت مادی

نمیتواند برای خودش معلوم بکند خسارت  
 معنوی هم قابل تقویم نیست ...  
**نایب رئیس** - آقای دکتر بقائی وقت  
 جناب عالی که طبق آئین نامه مقرر بوده تمام  
 شده اگر تقاضای اضافی دارید بفرمائید که از  
 مجلس رای بگیرم  
**دکتر بقائی** - تقاضا دارم که رای  
 بگیرید .  
**نایب رئیس** - چقدر وقت میخواهد ؟  
**دکتر بقائی** - چهار ساعت  
**نایب رئیس** - ماده ۸۹ خوانده  
 میشود .  
 ( شرح زیر قرائت گردید )  
 ماده ۸۹ - الف حدا کثر مدت نطق در  
 جلسه علنی بقرار ذیل خواهد بود  
 ۱ - برای استیضاح سه ساعت  
 ۲ - برای مذاکره با اعتبار نامه نمایندگان  
 اعم از مخالف یا موافق یا خنایندم ای که  
 طرف اعتراض واقع شده و همچنین برای هر یک  
 از ناطقین در برنامه دولت یک ساعت  
 ۳ - برای اظهارات مخالف و موافق  
 نسبت به لوایح و طرحها و توجیه طرح قانونی  
 یا توضیحات مغبری که از لایحه دفاع مینماید  
 و همچنین در موقع تقاضای رای اعتماد از طرف  
 دولت نیم ساعت  
 ۴ - برای دفاع از توهین یا تعریف  
 نطق یا سؤال از وزیر و توضیح ثانوی در  
 مقابل جواب وزیر و توضیح در باب پیشنهادات  
 اصلاحی و توجیه پیشنهاد کفایت مذاکرات  
 و مخالفت با آن و توضیح پیشنهاد فوریت یا  
 عدم فوریت ۱۵ دقیقه  
 ۵ - برای توضیح در پیشنهادات  
 جمعی شور دوم مذکوره در ماده ۱۲۳  
 پنج دقیقه  
 ب - در مورد استثنائی ممکن است مدت  
 نطق در موارد فوق به رای مجلس اضافه شود  
 ولی این رای بدون مذاکره بعمل میاید  
 ج - برای مذاکره در باب لایحه  
 بودجه سالانه کشور و عهد نامه ها و مقاله  
 نامه ها و امتیاز مدت نطق غیر محدود خواهد  
 بود .  
**نایب رئیس** - مقصود قسمت اخیر بود  
 که آقایان توجه کامل داشته باشند بنده  
 عقیده ام اینست که برای یکساعت رای بگیریم  
 البته بعداً اگر لازم شد خود ایشان اجازه خواهند  
 خواست . آقایانیکه باینکساعت اضافه مذاکره  
 آقای دکتر بقائی موافقت دارند قیام  
 بفرمائید ( اکثر برخاستند )  
 تصویب شد . بفرمائید  
**دکتر بقائی** - از اینکه هنوز آزادی  
 نطق باقی مانده و آقایان لطف کردند و اجازه  
 دادند که بنده بقیه عرایضم را بر سر  
 تشکر میکنم صحبت در قانون مطبوعات بود  
 گفتم این دو ماده ای که بهش اضافه کرده اند  
 بعد از مراجعه با افکار عمومی فقط یک ماده  
 کسر داشت که آنهم اگر یک روزه دیگر  
 پس از اختیارات جدید مراجعه کند با افکار

عمومی بهش اضافه می شود و آن اینست که هر کس روزنامه یا مجله بنویسد تیرباران خواهد شد بعد از آن همه رنج و تلاش و جان کندن و مبارزه و حبس رفتن و تبعید آمده ایم قانون مطبوعاتی نوشته ایم که حتی جناب آقای دکتر سنجابی رئیس سابق دانشکده حقوق اینجا آمدند گفتند این قسمت اولش خوب است ولی این دو ماده اش را قبول ندارم (دکتر سنجابی - بنده از ماده ۹۰ استفاده میکنم) آقای دکتر شایگان هم استفاده کنند ایشان هم استاد دانشکده حقوق هستند (دکتر شایگان - مفتخرم) آقای دکتر معظمی هم بیاینجا استفاده کنند ایشان هم استاد دانشکده حقوق هستند برای همه تان ماده ۹۰ درست میکنم (دکتر معظمی - آقای دکتر بقائی بنده در دوره ۱۵ راجع بقانون مطبوعات اظهار نظر کردم در بایگانی مجلس هست مطالعه بفرمائید) در روزنامه شاهد هست منتشر میکنیم (دکتر معظمی - تمام را منتشر کنید این آنچه را که من گفته ام منتشر بکنید) روزنامه شاهد را ملاحظه بکنید دارم منتشر میکنم ولی من با اجازه آقایان محترم و با اجازه ملت ایران که بمن اجازه دادند می خواهم کاری بکنم که دیگر کسی نتواند اینجا بگوید که بنده هم آنروز مخالف بودم ولی صلاح نبود (تظاهرات تماشاچیان) (ترنگ رئیس)

**نایب رئیس** - تماشاچی ها آرام باشند .

**دکتر بقائی** - خواهش میکنم که آقایان تماشاچیان محترم وظیفه بنده را سنگین نکنند و هیچ نوع اظهار تنفر و یا بیانی نکنند اینکارها جز اینکه صحبت مرا قطع بکند هیچ فائده ای نخواهد داشت .

بعد آمدیم بقانون دوم ولی پیش از قانون دوم یک مطلب دیگری باید عرض بکنم خدمت آقایان استدلالی که آقایان میکنند اینست که آقا اینکه مطبوعات نمیشود همه اش فحش نامه است همه اش تهدید است همه اش چی هست باید یک فکری کرد مطبوعات را اصلاح کرد بنده وقتیکه این صحبتها میشد یک جواب داشتم چون هیچوقت نمیخواهم منفی بیافم جواب را در ابتدای دوره شانزدهم در روزنامه شاهد نوشتم که تنها راه اصلاح مطبوعات گذشته از اینکه دولت آنها را بنویسد مطبوعات بد را پرورش بدهند تا آنها نتوانند شورش بکنند یا پرخاش بکنند اینست که یک قانون برضد شانناز بگذرانند قانون شدیدی که در همه جای دنیا هست کلمه فارسی شانناز را متأسفانه نمی دانم چیست (ناصر ذوالفقاری - خرابکاری) یک نوعی از تهدید است یک شخصی سندی از یک کسی بدست آورده است نوی روزنامه میگوید که گزارشی راجع به عملیات آقای فلان باین روزنامه رسیده است و ما بعد از تحقیق آنرا درج خواهیم کرد این یک معنائی دارد و وقتی که نوی

روزنامه اینرا می نویسد معنائش اینست که آقای فلان ما از بعضی کثافتکاری های تو خبر داریم و اگر بیانی اینجا خدمت ما برسی سکوت میکنیم ولی اگر حق سکوت نرسد آبرویت را توی روزنامه میریزیم این یک چیزی است که در همه جای دنیا برای این قوانین بسیار شدیدی هست یک دفعه هم در پشت تریبون این مطلب را عرض کردم در بیشتر از مالک متمدنه امروز این قانون باینترتیب هست که اگر یک شخصی شانناز کرد حالا خواه به وسیله روزنامه خواه بوسیله تلفن و یا بوسیله نامه و یا بوسیله دیگر شانناز کرد و لو این که در محکمه بتواند صحت ادعای خود را ثابت بکند از مجازات مصون نخواهد بود پرونده آن شخص که پته اش روی آب افتاده یک چپر جدا گانه ای است که باید بهش رسیدگی شود پرونده این شخص شانناز کننده هم جدا گانه است و شدت مجازات خواهد شد با وجود اینکه این مطلب تذکر داده شد توی این قانون مطبوعات در صورتی که بتواند ثابت بکند از مجازات مصون است نبود در صورتیکه تنه اراه اصلاح مطبوعات همان بود و اینکه روزنامه های فحاش را دولت ها بوسیله مستقیم و غیر مستقیم نیرو رانند ولی گفتند نه آقا این قانون لازم است الان یک استثنائی قانون استثنائی لازم است الان یک ماه است که قانون مطبوعات جدید که روی آقای دکتر ترنگه و ساعد و رزم آزار اسفید کرده امضاء شده و بموقع اجرا گذاشته شده بنده می خواهم به بینم که طبق این قانون جلوی کدام فحش را گرفته اند؟ فقط این مطلب را می دانم که یکی از روزنامه هائی که یک قدری پایش را کج گذاشته بود دستور توقیف مدیرش صادر شده بود بعد از اینکه یک حمله شدیدی به بنده و به آقای مکی و آقای حائری زاده کرد از سر تقصیرش گذشتند دوسه روزی حبس رفت و آمد بیرون . قانون شدیدتر از اینهم بنویسد جلوی مطبوعات را نخواهد گرفت ما تا خودمان را اصلاح بکنیم مطبوعات اصلاح پذیر هست این اورا قیاس بکنیم روزنامه هر روز در می آید اینها آقایان اگر درآمد نداشته باشند در نمی آیند فحش می دهند زندگی میکنند مردم هم تفاوت بین روزنامه واقعی و این روزنامه ها میکنند و کسانیکه خیلی میل داشته باشند راجع باین موضوع اطلاعاتی بدست آورند ممکن است به توزیع جراید مراجعه بکنند ببینند آن روزنامه های فحاش چندتا چاپ میشود و چندتا بفروش میرسد اینها بخودی خود از بین میروند ولی لازم نبود که طبق قانون اختیارات یک چنین قانون مطبوعاتی امضاء شود ولی چیزی که از قانون مطبوعات برآید خجالت آورتر است (بیه یک توییح دیگر راهم به بین خود ما دیدم) این قانون امنیت اجتماعی است آقایان بخاطر دارند که دولت در روزهای آخر قبل از تعطیل

مجلس تاریخش را بخاطر ندارم یک لایحه ای برای قانون حکومت نظامی به مجلس آورد چون در فرا کسیون ادامه نهضت ملی با آن قانون مخالفت شد دولت آن لایحه را پس گرفت چند روزی هم حکومت نظامی نبود بعد آن چند روز مواجه شد باز خورد هائی که توده ای ها با بعضی دستجات دیگر در کوچه های تهران میکردند که راجع به امنیت آنهم نمی خواهم وارد شوم بگردد آقای دکتر مصدق بنده را احضار کرد رفتم خدمت ایشان بنا بود جلسه ای تشکیل بشود از آقای دکتر شایگان و آقای مهندس زیرک زاده و آقای مهندس حسینی و آقای شمس قنات آبادی و بنده . برخلاف همیشه بنده زودتر رفته بودم یک لایحه ای را دادند بنده خواندم متأسفانه رونوشتش را ندارم اسمش قانون امنیت اجتماعی بود ولی خیلی بهتر و ملایمتر از این قانون امنیت اجتماعی فعلی بود من وقتیکه این لایحه را خواندم نمیدانم و نمی خواهم توصیف کنم که چه حالی بمن دست داد همینقدرش را می توانم بگویم که این دستهایم جمع شد که این قانون را پاره کنم بیندازم زمین و از در بیرون بیایم ولی خودداری کردم برای اینکه آنوقت دیدم تمام این مبارزات تمام این جان کندها تمام این وعده هائیکه ما مردم دادیم منجر بیک چنین قانونی بشود خودداری کردم و سکوت نمودم .

آقای دکتر مصدق فرمودند که نظرت چیست؟ عرض کردم که من اطلاعات حقوقی ندارم این را باید از آقایان اساتید حقوق بیرونی فرمودند که من خواستم نظر تو را بدانم بهشان عرض کردم بسیار قانون بدی است و هیچ زمینده جناب عالی نیست که چنین قانونی را امضا کنند فرمودند که آقای دکتر شایگان موافقت کرده اند (دکتر شایگان هم چیزی نیست اگر چنین فرمایشی هم فرمودند درست نیست) تمامش را میگویم اجازه بفرمائید در این ضمن آقایان دوستان تشریف آوردند قبل از اینکه آقایان تشریف بیاورند من خدمت آقای دکتر مصدق عرض کردم که این قانون از لحاظ اصولی صحیح نیست از لحاظ عملی هم صحیح نیست برای اینکه در این قانون اختیار همه چیز بکده از افراد را بدست رئیس اداره رئیس کارخانه رئیس کارگاه رئیس شرکت داده و ما می دانیم هنوز این دستگاه اصلاح نشده اشخاص فاسد هنوز در رأس دستگاه ها هستند در خیلی از جاها توده ای ها هستند و اینها باستناد این قانون باملیون خرده حساب پاک میکنند و تنها کسانیکه مشمول این قانون خواهند بود کسانیکه خواهند بود که این نهضت را ایجاد کرده اند در این ضمن جناب آقای دکتر شایگان تشریف آوردند و لایحه را دادند که آقای مهندس زیرک زاده و آقای مهندس حسینی بخوانند بنده رفتم خدمت آقای دکتر شایگان پیشان عرض کردم که آقای استاد محترم دانشکده حقوق و رفیق عزیز بنده و آزادی خواه

من بشما تبریک میکنم که شما با قانون موافقت کرده اید ایشان هم منظور این گفتند فرمودند که هیچ همچو چیزی من موافقت نکردم، گفتم که آقای دکتر مصدق فرمودند که شما موافقت کردید ایشان در جواب فرمودند که من با آقای دکتر مصدق عرض کردم که این قانون یک حربه دوزخ است همینطور که ممکن است بر علیه مخالفان مملکت بکار برود ممکن است بر علیه ملیون هم بکار برود و قانون خوبی نیست آقای دکتر شایگان همینطور است (خطا به تند نویسان) عرض بنده را تصدیق کردند یادداشت کنید با ایشان که صحبت میکرد یعنی با همین دوست عزیزم آقای دکتر شایگان ایشان گفتند الان یک موقعیت بسیار باارزش است دارند تحریکاتی میکنند ما مجبوریم این قانون را بیاوریم با قانون حکومت نظامی را برقرار بکنیم و چون در فرا کسیون با قانون حکومت نظامی موافقت نشد مجبوریم این قانون را بیاوریم گفتم، آقا از برای چه بره بد بزرگ را زنده کنید و فرماندار حکومت نظامی کنید و شما هم دادستان حکومت نظامی بکنید ولی اسم این قانون را بنا بر این که این بی اندازه نازیبا است که از طرف ما تفوه بچنین قانونی بشود چون گرفتار داشتم باشم که مرخص شوم جناب آقای دکتر مصدق فرمودند که ما میخواستیم راجع باین قانون بحث کنیم بنده با ایشان عرض کردم که من تمام نظریاتم را خدمت جناب آقای دکتر شایگان عرض کردم ایشان بعرضتان خواهند رسانید . آقای دکتر شایگان همینطور بود (دکتر شایگان صحیح است) آمدم بیرون . دوروز بعد حکومت نظامی برقرار شد ما هم قبول کردیم چون یک شرارت هائی میشد که می بایست جلوی گیری بشود بعد یک روز ظهر که از مجلس رفتم اگر اشتباه نکنم ظهر پنجشنبه بود چون جریان را من بطور خلاصه برای بعضی دوستانم تعریف کرده بودم دیدم بعضی تلفن میکنند که آن قانون امنیت اجتماعی کذائی را امروز امضاء کرده اند گفتم چه چیز می شود گفتند بفرماید و گفت بعد تحقیق کردم دیدم که بیه امضاء شد بعد متنش را بدست آوردم دیدم برآید بدتر و زنده تر از آنچه چیزی بود که آنروز ما آن مخالفت کردیم برای اینکه آن قانون اولی فقط شامل کارگران و کارمندان دولت بود این قانون شامل تمام ملت ایران شد در آن قانون اولی فقط داد و فریاد و جنایت جرم قابل تعقیب بود در این قانون هم جرم شناخته شده . اگر کسی قصد اختلا داشته باشد مشمول ماده دو قانون امنیت اجتماعی میشود . من آمدم مجلس به آقایان مراجعه کردم که آقایان چگونه قانونی برآوردند گفتند ما اطلاع نداریم ، گفتم پس چرا امضاء شده گفتند ما خبر نداریم ، رفتم خدمت جناب آقای دکتر مصدق

ایشان مفصلاً صحبت کردم گفتم آقا این قانون که بنا بود با امضاء نرسد گفتند داد اصلاحش کردند اگر آن متن اولش بدست می آمد آنوقت آقایان می دیدند که اصلاح یعنی چه؟

بعد مفصل صحبت کردم استدلال کردم بنده فرمودند اگر همچنین است تو در مجلس مخالفت بکن و من این قانون را لغو میکنم باینجهت یک روز بنده آمدم اینجا مصدع اوقات آقایان محترم شدم و راجع باین قانون صحبت کردم سوال نمودم که آیا کسی هست که باین قانون موافقت داشته باشد؟ هیچکس جواب نداد و در خاتمه عراض خودم عرض کردم که از طرف تمام نمایندگان مجلس شورای ملی از جناب آقای دکتر مصدق تقاضا می کنم که این قانون را لغو بکنند. همینطور بود؟ (چند نفر از نمایندگان - بلی) صورت مجلسها هست بعد در اطراف این صحبتهای زیادی شد و قرار شد که یک سو کمیسیونی از طرف فراکسیون تشکیل شود و راجع باین موضوع اصلاحات بکنند آن سو کمیسیونی را تشکیل دادیم معلوم شد هیچکدام از آقایان قانون را نخوانده بودند بنده هم گفتمند آقا این قانون برای مدت محدود است مثل اینکه اصول را برای مدت محدود میشود زیرا گذاشت ولی بزرگترین اشتباه دوست عزیز من و فاضی اختصاصی ایران در دیوان دادگستری لاهه جناب آقای دکتر سنجابی همین است که اصول را برای مدت محدود هم نباید زیرا گذاشت (دکتر سنجابی - شما به لایحه اختیارات برای ششماه چرا رأی دادید. اصول بود یا نبود؟) من نمی خواستم بگویم در برده گفتم که یکدفعه اشتباه کردم و دیگر تکرار نمیکنم (دکتر سنجابی - چرا اشتباه کردید اشتباه شما حرف است ولی ما اصول است بنده می رسم از شما چرا به لایحه اختیارات ششماه رأی دادید؟) در اول صحبتیم گفتم که یکدفعه اشتباه کردم و بعد فهمیدم که اشتباه است نخواستم مطلب را بشکافم برای اینکه این صحبتها تیرا که در مجلس میکنم بی اندازه برای من دردناک است برای اینکه باید بمخالفت بالایحه کسی صحبت کنم که یکی از پایه های حکومتش روی دوش من قرار دارد و هنوز هم قرار دارد باید بمخالفت بالایحه کسی صحبت کنم که در دنیا مرد اول سال شناخته شده باید برای مخالفت بالایحه کسی صحبت بکنم که مظهر ملیت و غیرت شناخته شده و همینطور هم هست اگر بگذارندش همینطور هم هست و باین جهت برای من بی اندازه دردناک است و همین جهت تا آنجائی که مقدور باشد سعی می کنم مطالب را در لافافه بگویم در ابتدای صحبتیم عرض کردم که یک مرتبه اشتباه کردم و آن دفعه منحرف شدم از اصول روی یک استدلال هائی که بنظر من صحیح آمد ولی نمی خواستم بشکافم چون فرمودید

محدود شدم من وقتی گفته بودم هیچ عملی آقایان درد دنیا مستمر نیست تمام چیزها در دنیا محدود است روزگار و هر چه در روی هست پس ناپایدار است

ای شب هجران تو بیداری برون از روزگاری همه چیز محدود است ولی بعنوان محدود بودن نمی شود اصول را زیر پا گذاشت و این زینده نیست کسانی که استاد دانشکده حقوق هستند با سکوت خودشان از جرم شناختن قصد دفاع بکنند این زینده نیست و این را هم امروز عرض میکنم که آن کسانی که قصداً جرم نمی دانند اگر اینجا نگویند و ساکت بنشینند ملت ایران آنچنان قضاوت خواهد کرد که اینها قصد را جرم می دانند و من می خواهم اینجا این آزادی خواهان استاد دانشکده حقوق بگویند که چطور قصد جرم است این محصول اختیارات است یک محصول دیگری هم داد اینجا بنده روی اطلاع اینکه از وضع آشفته دهافین داشتم اگر آقایان محترم بخاطر داشته باشند این جایک اعلام خطری کردم و یک نطق قبل از دستور راجع باین موضوع ایراد کردم و بعد هم یک طرحی برای ۱۵ درصد تهیه شد و با امضای ۵۴ نفر از آقایان نمایندگان محترم مجلس رسید آن لایحه بیست درصد را آوردند در مجلس قبل راجع باین موضوع صحبت ها شده بود مفصلاً بحث شده بود بنده خدمت آقای نخست وزیر هم عرض کرده بودم که این ۱۵ درصد که ما فعلاً پیشنهاد کرده ایم یک علاج فوری است برای جلوگیری از هزاران مفسده اوضاع خوب نیست و این یک مسکنی است وقتی که این تمام شد یکسال فرصت هست که یک قانون صحیح کشاورزی نوشته شود و مجلس هم موافقت خواهد کرد ولی ایشان با فشاری کردند و لایحه را فرستادند بمجلس موقمی آن لایحه بمجلس رسیده بود که بفوریتهای ۱۵ درصد رأی داده شده بود جناب آقای کاظمی نایب محترم نخست وزیر تقاضا کردند که آن طرح نمایندگان فعلاً مسکوت بماند و آن لایحه رویش عمل نشود در جواب تقاضای ایشان بنده از طرف آقایان محترمی که آن طرح را امضاء کرده بودند اینجا صحبت کردم و از آقای نخست وزیر خواهش کردم که ۱۵ درصد را بهمان ترتیبی که در طرح پیش بینی شده بپردازند هر چه بخواهند کمیسیون بازیها و بازیهای دیگر بکنند با همان پنج درصد بکنند که فعلاً رعایا یک چیزی گیرشان بیاید و بان جریاناتی که در آن وقت پیدا شده بود و حالا هم دنبال میشود خاتمه داده شود باین تقاضاهم ترتیب اثری ندادند روز پنج شنبه که مجلس تعطیل شد خاطر من نیست چندم بوده بنده خدمت ایشان رسیدم و راجع بلایحه اجرای بیست درصد انتقادهائی که باین لایحه بود اضافه

بر آنچه که در مجلس عرض کردم گفتم و بعد هم از طرف سازمان کشاورزی حزب زحمتکشان ملت ایران یک نامه مفصلی در چهار صفحه دایر بایرادات نسبت بآن لایحه بیست درصد خدمت ایشان فرستادم چون بنده این رویه را در زندگی سیاسی و اجتماعی خودم داشته ام و امیدوارم همش داشته باشم که پیش از اینکه بیایم و پشت این تریبون نام راهنمائی هائی که ممکن است میروم که کار باینجا نرسد انتقادات خودم را بطور خصوصی می گویم یا بیغام میکنم یا با نامه انتقاد میکنم که آن نقیصه رفع نشود بعدا گرنش می آیم از پشت تریبون یا از تریبون روزنامه استفاده می کنم بعد از تمام صحبت هائی که شده بود شروع کردند بعمل کردن آن لایحه شروع بعمل که برای یک توییح دیگری حاضر هستم اصلاً بعضی جاها حساب طوری بود که با حسابی که در آن لایحه ۳۸ ماده ای کرده بودند رعایای گفتمند ما اجرائش را نمی خواهیم برای اینکه طبق این لایحه لایحه بلهائیه بیست درصد در بعضی نقاط مملکت اجراء شد یک چیزی هم رعیت میلیت دادنی باشد از یکی از قصبات نزدیک قزوین شرحی برای من نوشته بودند باین حساب طولانی که رعیت طبق این لایحه ۶۰۰ تومان سهمش افزوده میشود ۱۸۰ تومان باید از جیبش بدهد

**نایب رئیس** - آقای دکتر بقائی انتقاد جناب عالی محتاج بالفاظ تند نیست

**دکتر بقائی** - گفتم بنده برای توییح حاضر

**نایب رئیس** - لایحه ای اگر مورد انتقاداتان است لازم باستعمال الفاظ تند نیستید بفرمائید

**دکتر بقائی** - چون تا آن حدی که مربوط بخودم باشد حاضر بتحمل همه چیز و دندان روی جگر گذاشتن هستم در تمام این جریاناتی که گذشت خیلی چیزها را تحمل کردم بعد از این هم تحمل میکنم ولی وقتی که آن چیزی که من مصلحت می دانم یا پیش پیش بیاید نمیتوانم تحمل بکنم و در عین حال این مطلب را هم عرض کنم که یکی از آرزوهای من و آرزوی صمیمانه من اینست که آنچه میگویم اشتباه باشد آنچه که میگویم غلط باشد و آنچه که تصور میکنم صحیح نباشد من در اشتباه باشم رأی که باختیارات داده خواهد شد صحیح باشد این آرزوی من است بهر حال این لایحه را شروع کردند بعمل دیدند عملی نیست اگر چه یک بخشدار و یک فرمان دار را بعنوان اینکه بوقع خودش عمل نکرده بودند با بوق و طمطراق و رادیو و روزنامه اعلام کردند که چون اهمال کرده است پدرش را در می آورند در قصبه شالرامن قزوین بودند خوشوقت شدم و گفتم خوب این لایحه در تمام مملکت اجراء شده فقط در قصبه شالرامن اجراء شده است بعد تحقیق

کردم و معلوم شد در هیچ جا اجراء نشده حالا نمی دانم چطور شده این بخشدار آمده جلو یک فرماندار یک جای دیگری بود که او را تعقیب کردند که این اهمال کرده و قانون را اجراء نکرده بعد معلوم شد که در فرمانداری این شخص سیصد داده است یادم نیست فرمانداری کجا بود (زهری - شهسوار) بلی شهسوار تمام فرمانداری عبارتست از یک فرماندار و یک منشی که یک چشمش کور است و یک ثباتی که نمی دانم چطور است و اینها قانون را هم برایشان نفرستاده بودند هیچ وسیله ای نداشتند که ۳۰۰ نسخه از روی قانون تهیه کنند و بهمه جا بفرستند این فرماندار نوشته بود که خوب من این قانون را چطور باین سیصد ده برسانم بعنوان اهمال توییح شد یا نشد نمی دانم بالاخره توی روزنامه ها یک چیز هائی بود ماهی که گذشت بعد از امضای این قانون دولت اقدام بچاپ این قانون نکرد که برای دهات بفرستند تازه وقتی شروع بعمل کردند باز هم چاپ نکردند بنده آمدند یک اصلاح دیگر کردند دیدند این هم عملی نیست یک اصلاح دیگر کردند که آنرا بعنوان دومین لایحه اصلاحی سهم کشاورزان فرستادند بمجلس که الان در کمیسیون خاص مطرح است باز یک مدت دیگر که گذشت دیدند آنهم عملی نیست یک اصلاحی هم همین پیروزها کردند و لایحه اش را فرستادند در صورتیکه اگر دستگاه صحیحی بود انتقاداتی که شده بود می بایستی مطالعه بکنند چون بنده این خوشوقتی را دارم که از اول این اصلاحاتی را که کردند در انتقادات خود پیش بینی کردم نامه اش در دفتر نخست وزیر موجود هست و یکمقدار دیگری هم پیش بینی کرده که هنوز پیش نرسیده اند لابد در لایحه اصلاحی باز هم خواهند رسید خوب این قانونی که اجراء نشده را خواستند اجراء بکنند نتیجه اش خونریزی و خرمن سوزی و این چیزها شد این اگر می آمد در مجلس در کمیسیون خاصی مثل اینکه حالا هست روی مطالعه عمل میشد چه عیبی داشت؟ آقایان محترم بخاطر دارند که در بسیاری از نقاط ایران خرمن سوزی هائی شد این خرمن سوزی ها را خواستند بگذارند به حساب حزب زحمتکشان ملت ایران در صورتیکه این خرمن سوزی ها در جاهائی می شد که ماشه نداشتیم و هنوز هم نداریم و من از آقای وزیر کشور تقاضا میکنم که راجع باین عرضی که میکنم یک تحقیق صحیحی بکنند و ببینند فقط در دهاتی که حزب زحمتکشان ملت ایران شعبه دارد بدون سرو صدا بدون جنجال این عمل انجام شد جز بعضی دهات که مالکینش طماع بودند و نمی خواستند قانون را اجراء کنند و آن منجر شد باینکه آن شورای دهی که طبق این قانون انتخاب شده بود و تشکیل شده بود شورای ده را ببندازند توی حبس

(وزیر کشور - خرمین سوزی هامر بوط بشما نبود) متشکر م . همه نوع تبلیغات بر ضد حزب زحمتکشان ملت ایران کردند تا اینکه حزب زحمتکشان ملت ایران با فدیهدادن یکی از مبرزترین افرادش ثابت کرد این حرف ها دروغ است و آن مرحوم حسن یازوکی بود که در یکی از دهات پیشوای ورامین بجرم اینکه تقاضای اجرای قانون بیست در صد را میکرد کشتندش پرونده برایش تشکیل شد ولی نمی دانم چه علت برخلاف آنچه که سوابق نشان می دهد و این پرونده میبایستی در فرمان داری نظامی و در دادسرای فرمان داری نظامی تحت رسیدگی قرار بگیرد چون در زمان و محیط فرمان داری نظامی بود پرونده را فرستادند به دادسرا البته امیدوارم کسانی که فرستادند بدادسرا پولی نگرفته باشند و امیدوارم دیگر در دادسرای داد گستری تصفیه شده رشوه رایج نباشد ولی در هر صورت مطلبی که هست الان قریب ۴۰ روز از شهادت مرحوم یازوکی میگذرد و هنوز با همه این قوانین شداد و غلاظ امنیت اجتماعی و داد گستری و اینها هیچ اقدامی نشده و چون طرف مقابل و محرکین قتل آدمهای یولاداری هستند بعد از اینهم بجائی نخواهد رسید . گفت مدینه گفتمی و کردی کیبام اسم داد گستری بر زبانم جاری شد بنده بعد از اینکه چندین پیغام بوسیله همین جناب آقای دکتر فاطمی و جناب آقای دکتر شایگان به جناب آقای نخست وزیر دادم که آقا وضع داد گستری خوب نیست دارند توده ای هارا سر کار میآورند دارند اینها را با کارهای حساسی میکارند و با وجود تمام وعده هائی که بمن دادند آقای دکتر فاطمی خلاف که عرض نمیکنم ( دکتر فاطمی - جنابعالی همیشه صحیح میفرمائید) متشکرم آقایان یادداشت میفرستند از این گرفتن ها زیاد است تمام ملیون طبق این قوانین باید بروند توی حبس حالا اجازه بدهید این اختیارات تصویب بشود خواهید دید حالا موضوع نظامیان را بعد میگویم بهر صورت داد گستری اصلاح شد نتیجه اصلاحش اولین نشانه را از اصلاح داد گستری خود من بدست آوردم چون مبارزه مرا با کمونیست های ایران همه میدانند و می دانند که مرا قبشان هم هستم اولین نتیجه ای که بدست آوردم این بود که يك عده ای از توده ای هارا در چند ماه پیش يك جائی گیر آورده بودند در حین ارتکاب جرم یعنی در حین تبلیغ مرام اشتراکی و جوزه داشتن وقتی که اینها توی حبس بودند من هم از حالشان غایبانه جوینا میشدم برای اینکه به بینم چه میشود برای یکی از اینها توده ایها خیلی تلاش میکردند که این از حبس بیاید بیرون توی این ده دوازده شهری که گرفته بودند برای این یکی خیلی تلاش میکردند و شاید با کمال راحتی تا صد هزار تومان

خرج میکردند (در این موقع آقای مکی وارد مجلس شدند) خیلی خوشوقت هستم در این موقع دوست عزیزم آقای مکی به مجلس آمدند (عده ای - صحیح است - صحیح است) (مکی - تشکر میکنم) همینطور که تمام ملت از شان تقاضا داشت منی بایست وظیفه شان را در همین مجلس انجام بدهند و از ایشان انتظار نمیرفت که خودشان را بازنشسته بکنند پریروز یک نفر يك کاغذی بایشان نوشته بود که شما هیچ صلاحیت نداشتید که خودتان را بازنشسته بکنید تنها يك جمع است که میتواند شما را بازنشسته بکند و او هم ملت است که او هم اجازه نمی دهد شما باید برگردید بسنگر و الا بعنوان تهرود از انجام وظیفه در داد گاه ملی محاکمه خواهید شد (عده ای - صحیح است) من این چیز را بفال نیک میگیرم تا روزیکه مبارزه مانرا شروع کردیم سه نفر بودیم امروز هم باز همان سه نفر هستیم و این برای اطمینان قلب خود بنده اطمینان قانع کننده است ممکن است شایرین را اقناع نکند ولی از اینکه بعد از هزاران حوادث و وقایع باز هم ما سه نفر اینجا هستیم برای خودم يك اطمینان قلبی هست از مطلب خیلی دور شدم عرض کردم برای یک نفر از آن ده دوازده نفر توده ایها حاضر بودند خرج کنند که بیرون بیاید چون اطلاع داشتم طبق مدارکی که خودم داشتم ولی نه از آن قبیل مدارکی که در مورد اختیارات گفتند که يك مدارکی هست که حالا نمیتوانیم ارائه بدهیم ولی دو ماه بعد شاید بتوانم ارائه بدهم این مدارکی که در مورد توده ایها گفتم حالا هم میتوانم ارائه بدهم مدارکی دارم که توده ایها برای استخلاص دوف نفر بی اندازه تلاش میکردند و برای یکیش اگر خلاص نشده باشد هنوز هم میکنند یکیش فردیست که الان عرض میکنم یکی هم ستوان مرزبان بود که جاسوسی کرده بود نمی دانم در نیروی هوایی بود یا دریائی (یک نفر از نمایندگان - هوایی) که در حبس بود و تقاضای اعدام برایش شده بود برای این دوف نفر دستور داده بودند هر خرجی لازم باشد هر عملی بکنند که این دوف نفر را خلاص بکنند یکیش همین ستوان مرزبان است که بزودی البته طبق داد گستری اصلاح شده خلاص خواهد شد و یکیش هم آقای مرتضی راوندی است که شاید آقایان نشناسند اصل او ولی ایشان عضو کمیته مرکزی حزب منحل توده ایران است نه سابق همین حالا و این شخص را بقید تضمین هشت هزار تومان آزادش کردند در صورتیکه توده ایها خیلی بیش از اینها حاضر بودند خرج کنند که این شخص آزاد بشود و البته راجع باین موضوع سؤال کردم که مجبور بجاوب بشوند و دوست عزیزم جناب آقای دکتر ملک اسمعیلی بیایند از این جوابهای در جریان ما بگویند ولی فقط يك مطلب هست اینها ده دوازده سبزه یا

چهارده نفر بودند که آنها را با هم گرفتند باید دید چه چیزی باعث شده است که این يك نفر بخصوص که عضو کمیته مرکزی حزب توده است با هشت هزار تومان تضمین آزاد شده ولی دیگران در زندان مانده اند درست است عدلیه اصلاح شده ما قبولا داریم و حرفی نداریم ولی يك مطلبی است باید توجه کرد که چطور شده آنهای دیگر را آزاد نکردند چرا آزادشان نمیکنند اصلا بیخود نگهشان داشته اند اما راجع بارتش دیگر راجع بارتش چه بگویم ؟ بعد از جریان سیم تیرمن یکروز خدمت آقای دکتر مصدق رسیدم و ایشان عرض کردم که این نهضتی که ملت ایران کرد چند جنبه داشت اگر از يك زاویه بخصوص نگاه کنیم این نهضت فقط برای يك چیز شد بایشان روی میز همین طور نشان دادم گفتم اگر از بین زاویه اش گناه کنم يك علتش این بود که شما خواستید وزیر جنگ بشوید مورد موافقت قرار گرفت استعفا دادید ملت انقلاب کرد خون ریخته شد شما وزیر جنگ شدید يك بدنه این نهضت خرد کننده ملت ایران برای وزیر جنگ شدن جناب آقای دکتر مصدق بود آقایان می دانند این افسران شریف اینهایی که بیش از مادارای احساسات هستند و بیش از مافدا کار هستند چقدر از این وزارت جنگ آقای دکتر مصدق خوشوقت شدند تمام آن دردها تمام آن رنجها و جریحه هائی که سالها در قلب اینها تراکم شده بود دیدند يك وضعی پیش آمد که اینها اصلاح میشود بنده خدمت جناب آقای دکتر مصدق عرض کردم اگر اختیارات نمیگرفتند و وزیر جنگ نمیشدند وزارتخانه ها بکار خودشان ادامه میدادند و کسی هم انتظاری نداشت ولی حالا که بعد از این نهضت جنابعالی آمدید و وزیر جنگ شدید خیلی وظیفه تان سنگین است و خیلی انتظارات از جنابعالی دارند چون جنابعالی يك وزیر جنگ معمولی نیستید که برای آنکه وزیر جنگ بشوید خون ریخته شده میباید توجه بکنید درست است که توی ارتش بر علیه بنده خیلی تبلیغات کردند بی اندازه تبلیغات کردند آن اعلامیه ای که روزی ام تیرماه صادر کردم برای اینکه مردم را دعوت بآرامش بکنم و برای اینکه افسرانی که مأمور حفظ انتظامات در شهر بودند آنها را هم متوجه بوظیفه خودشان و متوجه اشتباهاتی که ممکن است از آنها سر بزنند بکنم آن اعلامیه را علیه من منتشر کرد قرار داده اند و در تمام ارتش شروع کردند بایک فعالیت خیلی زیادی بله آنکه دکتر بقائی بارتش مخالف است با افسران مخالف است و گفته است باید تمام افسران را بکشند زن و بچه شان را هم باید بکشند این تبلیغات خیلی شده ولی توی ارتش البته من عده زیادی دوستان صمیمی دارم کسانی که خدمت نظام را با هم انجام دادیم کسانی که با هم

در دانشکده بودیم و کسانی که در حین این مبارزات با هم آشنا شدیم از این دوستان خیلی دارم و من میدانم که اینها این افسران شرافتمند چقدر ذوق زده شدند از اینکه آقای دکتر مصدق وزیر جنگ شدند و این مطالب را خدمت ایشان عرض کردم پیش از تشکیل این کابینه فعلی بعد یکروز توی روزنامه ها خواندم که کابینه تشکیل شده و ایشان یکی از افسران ارشد يك سمتی دادند که همان يك سمت باعث یأس و نومیدی عده زیادی شد شاید آقایان بخاطر داشته باشند وقتی که آقای س لشکر و تونق معاونت وزارت دفاع برقرار شد البته چون روی همان جریان عادی که عرض میکنم در دوره من هست موضوع حل شد زیاد نمیخواهم رویش بافشاری کنم فقط اینقدر میگویم که این آقای س لشکر و تونق شهرت بدی داشت چیز بد هم کسی ازش ندیده بود ولی چیز خوبی هم کسی ازش ندیده بود چهارده ماه تمام با آقای دکتر مصدق بعنوان معاون وزارت جنگ و رئیس کل ژاندارمری همکاری کرد همینکه ایشان استعفاء دادند برای خاطر آقای قوام السلطنه آن تلگرافی که همه میدانید صادر کرد به ولایات که طی همان تلگرافی که ایشان دستور داده بود تعصن و تلگراف و اظهار پشتیبانی از دکتر مصدق هم جرم بود و شدت میبایست تصفیه بشود و همان کسی بود که دستور داده بود که آن بیچاره هائی که از کومانشاه و همدان کفن پوشیده بودند و آمده بودند برای خاطر نهضت ملی بتهران در قلعه سنگی است آقای مکی ؟ (مکی - کاروانسرا سنگی) کاروانسرا سنگی ایشان دستور داد که عده ای از اینها را مضروب بکنند و برشان گردانند بنده وقتی این مطلب را خواندم رفتم خدمت آقای دکتر مصدق گفتم که آقا این چه کاری بود که کردید؟ گفتند میگویند که این آدم بدی نیست گفتم بنده هم نیامدم خدمت شما عرض کنم که آدم بدی است ولی از دکتر مصدق که روی خون شهدای سی ام تیر آمده وزیر جنگ شده انتظار نمیرود که رئیس ژاندارمری قوام بیاید معاون وزارت جنگ بشود ما جواب مردم را نمیتوانیم بدهیم **نایب رئیس - آقای دکتر بقائی** دقیقه از وقت جنابعالی مانده **حائری زاده -** تنفسی داده شود بعد از تنفس تمدید بشود **دکتر شایگان -** لزومی ندارد که تنفس داده شود مگر چه کاری کرده ایم **دکتر معظمی -** آن ده دقیقه صحبت کنند بعد تنفس بدهید **دکتر بقائی -** اگر اجازه بدهد آقایان من صحبت میکنم خدمت شما چون خوشبختانه بکرتی بکرتی بکرتی خدمت خود را پشت این تریبون کشیده ایم باین روزها هم خدمت میفرماید عرض کنم بنده

مدرت میخواهم که رشته مطلب با این صحبتها گسیخته شد چون در آنوقت - مع جناب آقای نایب رئیس فرمودند ده دقیقه باقی است حالا در حدود یکساعت و چند ثانیه ای گذشته و با فکر اینکه هی تانیه ها میگذرد نمیتوانم صحبتم را تنظیم کند از ساحت آقایان نمایندگان تقاضا میکنم که بمن وقت بیشتری بدهند که بتوانم صحبتم را تمام بکنم

**نایب رئیس** - پس بنا به پیشنهاد آقایان ده دقیقه تنفس میدهم (دکتر بقائی - صحبت بنده تمام نشده) بر میگرددیم ده دقیقه از وقت جنابعالی مانده

(بیست دقیقه بعد از ظهر جلسه به عنوان تنفس تعطیل و سه ربع ساعت بعد از ظهر مجدداً تشکیل گردید)

**نایب رئیس** - آقای دکتر بقائی فرمائید جنابعالی ده دقیقه وقت دارید

**دکتر بقائی** - تقاضا میکنم علی - الحساب یکساعت دیگر آقایان وقت بدهند (بعضی از نمایندگان - تا آخر دوره هم حاضریم) نخر تا آخر دوره صحبت نمیکنم مطمئناً تمام میکنم

**نایب رئیس** - سرکار صحبتتان را فرمائید اگر تمام نشد آنوقت تقاضای وقت فرمائید

**دکتر بقائی** - آخرده دقیقه کم است نامن بیایم مقدمه بچشم جنابعالی زنک میزنند و بنده هم نمیتوانم مطالبم را تنظیم کنم

**نایب رئیس** - چقدر وقت میخواهید (دکتر بقائی - یکساعت) نیمساعت کافی است آقایانی که باقیم ساعت ادامه نطق آقای دکتر بقائی موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان برخاستند) تصویب شد بنابراین چهل دقیقه وقت دارید فرمائید

**دکتر بقائی** - صحبت راجع بوزارت جنگ آقای دکتر مصدق و وضعیت ارتشیشان بود بنده گذشته از اینکه خودم افتخار دارم که خدمت مقدس سربازی را انجام داده ام باوجود آنکه برایم مقدور بود که انجام ندهم ولی از لحاظ عقایدی که دارم این خدمت را انجام دادم و الان هم یک نفر افسر احتیاط هستم و همیشه هم منتهای آزادت و احترام را نسبت بافسران شرافتمند ایران داشته ام و همیشه هم با افسرهای دزد و خاطی مخالف بوده ام و همیشه هم مخالف خواهم بود همانطور که عرض کردم در محیط ارتش دوستان بسیاری دارم امیدوارم با و خوشوقتهای آنها را خدمت آقای نخست وزیر عرض کردم که با بکار گماردن بعضی از کسانی که سابقشان در نظر افسران جوان و تحصیل کرده روشن نیست باخوب بست بزرگترین لطمه بروجه آنها وارد می آید یک مطلب دیگری هم حضور

ایشان عرض کردم و ان این بود که به ایشان عرض کردم جنابعالی نباید فراموش فرمائید که در دوره حکومت رزم آرا یکروز پشت تریبون فرمودید که بمن فرصت بدهید من به حسابهای وزارت جنگ رسیدگی کنم و آنرا اصلاح کنم و عرض کردم با این سوابق امروز جنابعالی وزیر جنگ شده اید و یک وظیفه بسیار سنگینی بر دوش شما هست راجع بطرز عملی که با وزارت جنگ و با افسران شد نمیتوانم زیاد اینجا توضیح بدهم گمان میکنم که همه آقایان نمایندگان محترم کم و بیش از موضوع اطلاع داشته باشند یکروز توی روزنامهها خواندم انتخاباتی در بین افسران بوجود آمده گفتند برای اینکه اینها رسیدگی کنند بیرونده ها البته ابتدا این موضوع بنظر بنده یک قدری زننده آمد چون محیط نظام با انتخابات زیاد جور در نمی آید ولی بعد فکر کردم که چون باید دستگاه تصفیه شود و یکمده ای بیرون ریخته شود از نظر خود دولت بهتر است که یک کمیسیونهای از خود افسران تشکیل بشود که اگر فردا گفتند آقا چرا بیرون بروند جواب بدهیم که اگر چنین چیزی واقع شده با رأی خودتان بود و شما رأی داده اید یا رفقای خودتان بوده اند که رأی داده اند و این کمیسیونها را درست کرده اند و این تصمیم را گرفته اند و تقصیر دولت نیست اگر یک ناروایی واقع شده باشد این تقصیر رفقای خودتان است مدتی از این قضیه گذشت یکی از افسران را که شخصاً از سال ۱۳۲۳ می شناسم یک سرهنگ جوانی است که یازده سال تمام در کرمان انجام وظیفه کرده وقتی که من او را شناختم خودم رئیس فرهنگ کرمان بودم او هم ریاست یک دایره ارتش کرمان را داشت و در آنوقت سرگرد بود یا مقام معاونت لشکر کرمان و ریاست ستاد لشکر کرمان کدام یک را نمی دانم چیزی که راجع باین شخص میتوانم عرض کنم البته از پرونده هائی که ممکن است ساخته باشند یا نساخته وجود داشته باشد در وزارت جنگ راجع به آن چیزی نمیتوانم عرض کنم ولی چیزی که روی اطلاعات خودم با اطمینان میتوانم عرض کنم این است که این افسر در یک محیط کوچککی مانند کرمان بنیکی مشهور بود در صورتیکه می دانید که در یک شهر پنجاه هزار نفری مثل کرمان یک کسی وقتی ۲ ساله ماند یک کارمند دولت یا یک افسر ماند همه می دانند چکاره است تا اظهر کسی بر رسید میگویند که این درست است یا در دست مختلس است فاسد است از آقایانی که از شهرستانها تشریف آورده اند این مطلب را نباید می کنند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) یک کارمند دولت در یک شهر کوچک نمی تواند راجع به کسی که

فهمند این دزد است و بدعمل است یا نه همه اینرا می فهمند راجع باین شخصی که ۱۱ سال در کرمان بود بنده اینرا می توانم عرض کنم که کوچک ترین بد نامی این شخص در کرمان نداشت و کوچک ترین چیزی از او نشنیده ام یک روز دیدم این شخص با کمال آشفته گی آمد که من این تحصیلاتم و اینکارهایم است این سوابق من است مرا باز نشسته کرده اند من بهش گفتم همان جوابی را که قبلاً تهیه کرده بودم که این تقصیر رفقای خودتان است یک عده ای را انتخاب کرده اید آنها آمده اند و کرده اند گفتند آقا آنها نظر خوب راجع بمن داده اند من فکر کردم که آنجوری که رسم همه هست البته یکی از چیزهائی که متأسفانه در کشور ما کم صراحت لهجه است بنده عضو کمیسیون هستم بر علیه یکی هم رأی داده ام آنوقت با او میگویم منکه از شما دفاع کردم آنجا هم رأی دادم ولی در اقلیت واقع شدم با این شخص هیچ نوع سابقه ای از لحاظ رفت و آمد خانوادگی و دوستی با هم نداریم هیچ نوع سابقه ای از این قسم با یک دیگر نداشته ایم ولی می دانستم افسر شرافتمندی است راجع باین موضوع تحقیق کردم و اطلاع پیدا کردم که رأی کمیسیونی که برای رسیدگی باینکار صادر شده بوده است برای آن افسر درجه اعلی پیشنهاد کرده یعنی گفتند بسیار افسر فعال و خوب فهمیده است ولی معلوم نیست بالای این کمیسیون ها اینرا باز نشسته کرده اند آخر اگر شما کمیسیونی درست کرده اید که باینکارها رسیدگی کند چرا از بالا عمل میکنید اگر نمی خواهید بنظر کمیسیون اهمیت بدهید چرا پس کمیسیون تشکیل می دهید؟ الان من صراحتاً عرض میکنم که اگر دشمنان خارجی میخواهند روحیه افسران ما را از بین ببرند این عملی که روی ندانم کاری روی رفیق بازی روی ملاحظات خصوصی شد بهتر از این موفق نمی شدند اینجا تشکر میکنم از افسران شرافتمندی که با وجود بزرگترین لطمات بروجه شان وارد آمده ساکت ماندند و از شان تقاضا میکنم که همین رویه متانتشان را ادامه بدهند و اگر توجه این افسران شرافتمند نبود من پشما قول می دهم که تا حالا این ارتش ماملشی شده بود این افسرانی که از روز اول یا گذشته بودند توی سر بالا خانه تا امروز که بعد از چند سال سروان شدند با سرهنگ میشدند یا سرگرد شدند همیشه فجایع اعمال آن بالاترها را دیده اند دزدی های آنها را دیده اند یکروز بعد از قیام سی ام تیر این نور امید در دلمان تابید که بالاخره یک وزیر جنگی آمد که دست این امرای کثیف را بگیرد بریزد بیرون وقتی که میبینند که باز همانها هستند و همانها حاکم بمقدراتشان هستند اینها میبوس میشوند اینها روحه شان را از دست می دهند

برای یک افسر جوان تحصیل کرده ای که با نهایت عشق بوطن خدمت میکند و بانهایت بدبختی میسازد این خیلی غیر قابل هضم است که سر تیب دفتری که بواسطه جنابانیکه کرده باید تسلیم چوبه دار بشود رئیس مرزبانی کل کشور بشود اینرا نمیتوانند تحمل بکنند (دکتر شایگان - این مربوط باختیارات است؟) بیشتر از اینهم میخواهید بگویم قوم و خویش بازی است این کمیسیون بازی را همه می دانیم چرا دیگران را نمی بینید؟ (دکتر سنجابی - بالاخره معلوم نشد که با همه اینها چرا رأی اعتماد می دهید؟) بشخص دکتر مصدق رأی اعتماد می دهیم (دکتر سنجابی - شما که مفرمائید قوم و خویش بازی است) ولی اینها همه برای این است که این بادمجان دورقاب چینه میروند می گویند که آقایان سر تیب دفتری خیلی آدم خوبی است قسمت گمرکات ما را هیچکس جز سر تیب دفتری نمیتواند اداره بکند فقط راغیر از دکتر فلاح کسی نمیتواند اداره بکند میگویند بسیار خوب کمیسیون بکنند کمیسیون تشکیل می دهند فلانی اینکاره بشود کما اینکه کمیسیون گفته که دکتر فلاح انتخاب بشود بنده مسلماً می دانم که شخص آقای دکتر مصدق هیچ وقت دستور نداده که بروید برادر زاده مرا بیاورید و رئیس گارد مسلح گمرک بکنید (نمایندگان - صحیح است)

**دکتر سنجابی** - پس چطور قوم و خویش بازی است؟

**دکتر بقائی** - قوم و خویش بازی است بوسیله بادمجان دورقاب چینه برای اینکه او هم خوشش بیاید خوب یک پیرمرد محترمی است قوم و خویش را دوست دارد وقتیکه بگویند آقا این برادر زاده شما آدم خوبی است خوشش می آید و تسلیم میشود اگر شما بیائید پشت این تریبون و بگویند که دکتر مصدق شخص خودش و بهیل خودش سر تیب دفتری را و دکتر فلاح را آورده است من رأی بدهم (دکتر کیان - دکتر فلاح چه قوم و خویشی با ایشان دارد؟) دکتر فلاح میجت جدا گانه ای است دکتر فلاح قوم و خویش که دارد این است که اسناد جاسوسیش را مادریم می دانیم که چکار میکرده است برای انگلیسها و چه خدمتهائی میکرده وقتیکه طبق اختیارات می آید سر کار و اینجا مجبورم از مطلب خارج بشوم یک موضوعی است که بسیاری از دوستان بنده بنده ایراد میکنند که نوچرا زوی اشخاص اینقدر پافشاری میکنی؟ خوب صفا همیتی دارد که دکتر فلاح با سر تیب دفتری یا دیگری فلان کاره بشوند اینها چه ارزشی دارند که رویشان پافشاری شود؟ ولی من منطقی دارم که غیر از اینهاست تمام این پیشرفتهای تمام این فتوحات و تمام این نهضت فقط و فقط برای یک چیز است فقط و فقط بعد از حواست خداوند متعال بدون این است که ملت ایران با آن خودش امیدوار شد از حالت یأس و نومیدی بیرون آمدن آن

حالتی که وقتی با هر کسی صحبت میکردی میگفت بمن چه بتوجه بیرون آمد تاجهار پنجسال پیش با هر کسی که میخواستی يك صحبت عمومی بکنی میگفت بمن چه بمن چه کاره این مملکت میگفتی شيلات اينطور شد میگفت بمن چه من کار مندا اقتصادم، میگفتی در وزارت دارائی چطور شد میگفت بمن چه من مرد بزازی هستم چیزیکه اساس تمام این فتوحات درخشان بود ملت ایران بود فقط و فقط ایجاد روح امیدواری بود که این ملت بآتیه خودش امیدوار شد آمد و این مبارزه بی سابقه در تاریخ را کرد (وزیر کشور - احترام آن کسانی را که مؤثر بودند در نهضت رعایت بفرمائید) (حائری زاده - آقا جاتشریف داشتند آنوقت؟) (وزیر کشور - بنده از خودم دفاع نمیکم) یکی از کسانی که در این نهضت بسیار بسیار مؤثر بود در اینجا بنده باید با کمال احترام حضور آقایان عرض بکنم تیمسار سرتیب دفتری رئیس اسبق دژبانی و رئیس شهرداری رزم آرا بود در این نهضت بسیار مؤثر بود برای اینکه اگر فرستاده بود پاسانها را و کماندو هائی را که درست کرده بودند چاپ خانه شاهد را تاراج بکنند اگر فرستاده بود روزنامه شاهد را از بین ببرند و اگر فرستاده بود روزنامه فروشها را بزنند من و مکی و حائری زاده روزنامه فروشی نمیکردیم اگر نمیکردیم که چه خدا بنده لوهارا معاصره بکنند بقصد کشتن ما اگر اینکار را نکرده بود ملت ایران متوجه نمیشد این تیمسار سرتیب دفتری یکی از کسانی است که در این نهضت يك خدمت بسیار بسیار بزرگی کرد چون اگر شهرداری اینکار را نکرده بود به این زودها ممکن بود که ملت ایران بیدار نشود و متوجه نشود و این مبارزه ها بوجود نیاید این مبارزات از چاپخانه شاهد سر چشمه گرفت از چاپخانه شاهد بود که رزم آرا نابود شد آنوقت آن مردمی که شب تاصبح می آمدند توی آن سرمای اواخر آذرماه توی کوچه خدا بنده لوهارا کوچه های اطراف کیشك میدادند جان خودشان را کف دستشان میگرفتند جلوی سرنیزه دژبان و باتن پاسبان می ایستادند در آن موقعیکه جناب آقای دکتر مصدق آمدند در اینجا از پشت این تریبون بدستگاه انتظامی رزم آرا اعتراض میکردند بنیاید صورت جلسات را بخوانید رئیس انتظامات آنوقت سرتیب دفتری بود آن کسانی که جان خودشان را کف دستشان میگرفتند و تاصبح با سرما و گرسنگی می ساختند برای آنکه جان چند تا از خدمتگزاران خودشان را حفظ بکنند اینها باین امید می آمدند که دیگر سرتیب دفتر بفرستد این مملکت دستشان نباشد سرتیب دفتری شخص بسیار کوچکی است میدانم ولی سرکار آوردن سرتیب دفتری عمل بسیار بزرگی است این عملی است که تمام آنهایی را که جانشان را کف دستشان

گذازده و مبارزه میکردند مایوس میکنند (حائری زاده - صحیح است) مایوس می کنند و میگویند که این هم که باز تعزیه شر و فضا بود تعزیه آقایان ندیده اند شاید جوانها ندیده باشند ولی کسانی که مثل بنده سمنشان بحدود ۴۰ سال رسیده یا بیشتر تعزیه ندیده اند در تعزیه یکمده ای یک لالهائی برایشان معین میشود یکی مثلا بلا تشبیه امام حسین میشود یکی حضرت عباس می شود یکی زینب میشود یکی سکنه میشود یکی خولی میشود یکی ابن سعد میشود و تعزیه را در می آورند رجزها میخوانند شمشیرها میکشند بجان همدیگر می افتند مردم را میگریانند و بعد این تعزیه تمام میشود آن تجیری که میکشند توی تعزیه ها میروند پشت آن تجیر خسته شده اند استراحت کنند شمر چپ چاق میکشد میدهد به امام حسین میکشد امام حسین جای میریزد میدهد به خولی خولی آب نبات میکندارد دهان زینب و قس علیها مدتها بود وضع سیاست مملکت ما باین صورت در آمده بود مدتها بود مردم میدیدند يك دولتی می آید نماینده ای استبضاح میکند بهمدیگر بدو برآه میگویند بهم فحش میدهند و فحش میشوند بعد یا دولت ساقط میشود یا رأی اعتماد میگیرد آنهایی که استبضاح میکنند بیرون که میروند دوست جان جانی میشوند و بعد پسر خاله شان وزیر میشود یا پسر عموشان مدیر کل میشود برادرشان رئیس میشود و تمام میشود مردم این بازیهای سیاسی را بچشم مسخره نگاه میکردند میگفتند خوب يك زد و بستنی است توی خودشان دارند سیاست خارجی هم به این شایعه کومک میکرد ولی ما بعد از مطالعاتی که کردیم به این نتیجه رسیدیم که باید صفها معلوم شود باید تعزیه تمام شود هر کس این وظیفه ای را که قبول کرده باید انجام بدهد دیگر تعزیه بازی را اگر بخواهیم این مملکت اصلاح بشود باید کنار بگذاریم قوم و خویش بازی و ملاحظه کاری را کنار بگذاریم

**دکتر سنجابی** - هنوز هم این تعزیه تمام نشده معلوم نیست شما موافقید یا مخالف؟

**دکتر شایگان** - اینها همه برای فریب خلق الله است

**دکتر بقائی** - با اختیارات مخالف ولی با آقای دکتر مصدق موافقم

**دکتر سنجابی** - بنده شمارا منافی میدانم

(زنك رئیس)

**مکی** - وکیل حق تو همین بو کیل ندارد نباید بيك وکیل تو همین بکنند

**قنات آبادی** - منافق آن کسی است که با قبادیان برای وکالت میسازد (همه نمایندگان - زنك رئیس دعوت بسکوت)

(در این موقع از طرف عده ای از -

تماشاچیان تظاهراتی له و علیه بعمل آمد و چون بازنگ امتداد عاده نظم و سکوت ممکن نشد نایب رئیس جایگاه ریاست را ترک و جلسه بعنوان تنفس تعطیل گردید)

**نایب رئیس** - آقایان توجه می فرمایند که اساس مشروطیت هر کشوری موکول است با آزادی بحث و بیان بخصوص در مجلس شورای ملی و این بسیار سابقه بدی است که احساسات تماشاچیان بتواند مانع از انتقاد و بحث گردد بر طبق آئین نامه قانونی مجلس شورای ملی بشود (صحیح است) از این جهت بنده دستور دادم مجلس را از تماشاچیان تخلیه بکنند چون عموما بحالت غیر منظم در آمدند و از آئین نامه مجلس پیروی نکردند و فعلا جمعی از روزنامه نگاران و جمعی از تماشاچیان تشریف آوردند و فعلا مانعی برای ادامه جلسه از این جهت نیست نظریه هم با مجلس شورای ملی است اگر مایلید که ادامه بدهند ادامه بدهند و اگر هم مایلید که جلسه را ختم بکنیم (جمعی از نمایندگان - ادامه بدهیم) آقای دکتر بقائی بفرمائید

**دکتر بقائی** - البته مقام ریاست مجلس شورای ملی این دقایقی که در تشنج تأسف آور گذشته بای دقایق معدودی که برای عرایض بنده باقی مانده حساب نخواهند فرمود...

**نایب رئیس** - صحیح است منظور می شود

**دکتر بقائی** - این جریان که پیش آمد کرد بی اندازه مورد تأثر و تأسف بنده است برای اینکه تماشاچی طبق آئین نامه مجلس شورای ملی باید گوش بدهد حق هیچ نوع دخالتی چه بوسیله حرف و چه بوسیله تظاهر در جریانات و بیانات مجلس ندارد اگر بنا باشد تماشاچی ها در مذاکرات بنحوی از انحاء دخالت بکنند بزرگترین ضربه با اساس مشروطیت وارد آمده باید آقایان تماشاچی ها این نکته را کاملاً متوجه باشند که حق هیچ نوع تظاهری ندارند نه له و نه علیه خواهند شد و الا آزادی عمل مجلس سلب خواهد شد و این بزرگترین لطمه را بمشروطیت میزند (صحیح است) و تازه مطلبی که گفته شد اغلب که فریاد زدند گفتند زنده باد مصدق ما هم همه میگوئیم زنده باد مصدق (احسنت) همین پیروز قریب باتفاق آراء آقای دکتر مصدق رأی اعتماد دادیم البته جناب آقای دکتر سنجابی بنده را منافی خواندند و من حرفی ندارم چون انتظار خیلی بالاتر از اینها دارم وقتی کسی برخلاف جریان شنا می کند انتظار خیلی چیز هارا باید داشته باشد این منافق که تر حلو او برک گل بود چیزهای دیگر را هم انتظارش را دارم و خواهد آمد در همین روزنامه هائی که مطابق قانون مطبوعات جلوی فحش دادش گرفته شده رفقای معترم ملاحظه

خواهند کرد که در ظرف امروز و فردا چیزهائی برای ما خواهند نوشت و چون این جریان را میدانم بهیچوجه بانتظار جز این از طرف ایشان ندارم هیچ نوع کله و شکافی هم نمیکم برای اینکه از قدیم گفته اند چوب را آب فرومی برند دانی چیست شرمش آید ز فرو بردن پرورد خویش باینجهت من هم هیچ کله ای ندارم و انتظار بالاترش را دارم صحبت در این بود که ما با شخص آقای دکتر مصدق موافق هستیم و ایشان رأی اعتماد داده ایم و باز هم خواهیم داد ولی با اختیارات باینصورت مخالف هستیم با اختیارات مخالف هستیم برای اینکه این نهد کتر مصدق است که از این اختیارات استفاده میکند و خواهد کرد این بدانجهت دور قلاب چین هائی هستند که در آن وقتی که ما مبارزه میکردیم معلوم نبود کجا بودند آن روزی که حائری زاده و مکی و من توی حبس بودیم آن روزی که شمس قنات آبادی تبعید بود ما از حبس آمدیم بیرون از تبعید برگشت رفت بمجلس او از حبس آمد بیرون زهری رفت مجلس اینها چیزهائی است که ثبت شده است

زما آمد این اسم واسما پدید در آنروز گنجامن وما نبود آنروز این حرارت ها وجود نداشت کسانی هم که آمده بودند دور و بر وقتی دیدند هوا پس است با کمال تدبیر راهشان را آهسته کردند یواش رفتند که چیزی نشود وقتی که متوقفیت هائی پیدا شد آمدند کتر مصدق را احاطه کردند در این موضوع هم پیش از این چیزی نمی خواهم عرض کنم این جابنده اشاره ای بقانون امنیت اجتماعی کردم متأسفانه ملاحظه کردم که بسیاری از آقایان محترم این قانون را نخوانده اند و بیاناتی که بنده بعرض مجلس شورای ملی رسانده بودم آنچنانکه لازم است روشن نبود تقاضا می کنم آقایان خودشان یکدفعه قانون را از اول تا آخرش مطالعه کنند چون دقایق کمی که مانده فرصت نمی دهد که تمام قانون را بخوانم ولی چند کلمه توضیح خدمت آقایان میدهم ماده این قانون می گوید (گزارش مسئولین مؤسسات عمومی و رؤسای ادارات دولتی و مراجع قضائی و همچنین مأمورین انتظامی معتبر است مگر اینکه خلافش ثابت شود) در ماده ۲ بسیاری چیزها را جرم شناخته که بعضیهاش جرم هست البته هیچکس منکر نیست در کس کارمندان ادارات دولتی و مؤسسات عمومی را وادار باعتصاب یا تحریک یا اختلال در نظم و آرامش یا تیرد و عصیان نباید و همچنین کسانی که در ادارات و مؤسسات عمومی و دانشگاهها و دادرها برخلاف نظم و آرامش و انتظامات داخلی رفتار کنند و با جنجال و داد و فریاد و یا بمنظور توهین و ارهاب و تعنت تأثیر قرار دادن مراجع



اداری یا قضائی یا برای جلوگیری از اجرای قانون و مقررات ازدحام یا تاخصن و یا هر گونه نظاهری نماید فوراً بازداشت و مجازات مقرر در ماده قبل برای آنها تعیین میگردد و همچنین مجازات برای توطئه کننده گان و مواضع کننده گان اعمال مزبوره در این ماده و ماده فوق معمول خواهد شد. حالیکه رئیس کارخانه ای که گزارشش معتبر است طبق ماده ۵ می نویسد که فلان کارگر مواضع کرده است برای اخلاص نظم و گزارشش هم طبق این قانون معتبر است این کارگر بطور برود در محکمه ثابت کند که مواضع نکرده؟ من از آقایان محترم گرچه سؤال حرام است سؤال میکنم کدامیک از شما می توانید ثابت کنید که دیشب برای کودتا مواضع نکرده اید؟ امر منفی در کجا قابل اثبات است؟ شما می توانید ثابت کنید که دیشب مواضع نکردید برای کودتا؟ کی می تواند؟ کدامیک از آقایان می توانند ثابت کنند که مواضع نکرده اند برای کودتا؟ آقایان شما کدامتان می توانید ثابت کنید که دیشب برای از بین بردن نفت ایران توطئه نچیدید؟ اینکه غیر قابل اثبات است آن موضوعیکه می توانند ثابت کنند امر ثبوتی است نه امر نفی و آنوقت گزارش رئیس اداره رئیس کارخانه، رئیس مسئول، کارمند مسئول مراجع قضائی و مراجع انتظامی معتبر است یعنی وقتی نوشت این قانون حاکم است و چون خلافش را هم نمیشود ثابت کرد این کارگری که برایش يك کسی گزارش نوشته باید برود بقیه بشود. مایکروزی تمام کرده بودیم علیه قانون حکومت نظامی که اختیار گرفتن اشخاص را بدست یک نفر نباید داد حالا بجای يك حکومت نظامی باین قانون صدها هزار حکومت نظامی درست شده هر کس می تواند يك همچو گزارشی بنهد و از این گزارش ها هم میدهند اگر فرصت اجازه می داد بنده يك مدار کی می آوردم خدمت آقایان که فلان پاسبان رفته صد تومان ازدکاندار خواسته و گفته اگر ندهی من گزارش می دهم آنهم می داند وقتی گزارش داد این دیگر طبق ماده قانون امنیت اجتماعی معتبر است يك مطلبی هست بنده کراراً عرض کردم این مطلب را همیشه هم عرض میکنم، در زیارت جامعه یعنی آنجائی که لمن ظلمه است يك عبارتی دارد این عبارت خیلی عیب است و من از این عبارت خیلی خوشم می آید تا زگی خوشم بیامده مدتهاست باز هم توی این مجلس گفته ام می فرماید لعن الله امة سمعت بذلك فرضیت به یعنی خدای لعنت کند آنقومی را که شنیدند که می خواهند ظلم بجا نیاورد یعنی بر وارد کنند و با سکوت خودشان رضا دادند بان ظلم. حالا اشخاصی هستند که بامی آیند می گویند آقایان قانون امنیت اجتماعی مدتش محدود است. با فاعلا سکوت میکند چیزی نمی گویند بعد دو سال بعد

شمیر اصول را خواهند کشید که ما بودیم که چه کردیم. آقایان باید بگویند و راجع باین والا مشمول لعن الله امة سمعت بذلك هستیم و این قانون امنیت اجتماعی را خوانند و رضیت به. منافق آن کسانی هستند که در کردید پارلمان می گویند آقا ما هم می دانیم این قانون بدی است ولی خوب فعلا سکوت میکنیم آن کسیکه می آید صراحتاً موافقت و مخالفت خودش را پشت تریبون میگوید منافق نیست منافق آن کسانی هستند که در جور گفته و نوشته داده اند کسیکه از روزی که وارد نویسندگی اجتماعی شده تا حالا دوتا نوشته اش بدون دلیل مخالف هم نبوده منافق نیست. در آن روزهای بعد از نهضت خیزه کننده ملت ایران ما برای تعقیب قضیه خیلی اقدام کردیم این اقدامات نتیجه نرسید مثل آنکه سی ام تیری وجود نداشت تمامش جواب های بسیار صحیح و مستدل قانونی دادند و جریان ها را گفتند ولی این جریانها برای آن کسانی که شهید داده اند و ملت ایران جواب نمی شد ولی بنده خیلی خوشوقت شدم از اینکه بالاخره جناب آقای دکتر مصدق باین موضوع توجه فرمودند در موقعیکه طرح تحصیل حاصل راجع بان انتخابات را ۱۶ نفر امضاء کردند و بمجلس تقدیم کردند و آن جلسه استرو کسیون شده دو سه دقیقه دیگر از وقت بنده باقی مانده و صحبت بنده هم تمام نمیشود.

**نایب رئیس - ۱۰ دقیقه باقی مانده است.**

**دکتر بقائی -** این طرح را دادند و با وجود اینکه گفتند تحصیل حاصل است استرو کسیون کردند و بعد گفتند که این طرح برای تضعیف دولت بوده است اگر آقایان نمایندگان محترم بخاطر داشته باشند بعد از ظهر همانروز جلسه فوق العاده هیئت دولت تشکیل شد و جناب آقای وزیر محترم امور خارجه که سخنگوی دولت بودند اظهار داشتند که جلسه هیئت دولت تشکیل می شود و هر تصمیمی که گرفته شد راجع باین جریان مجلس باستحضار ملت ایران خواهد رسید.

فردایش نتیجه آن جلسه فوق العاده هیئت وزیران باستحضار ملت ایران رسید و آن مطلبی بود که جناب آقای دکتر مصدق در رادیو بیان کردند خوب يك چیز هائی که از قدیم معلوم بود همه هم می دانستند که ما به دستور و برای خوش آیند بیگانگان در کار دولت اخلاص میکنیم وجه میکنیم وجه میکنیم اینها را همه می دانستند از دوره ~~...~~ آخر دوره ۱۰ این موضوع معلوم شده بود برای اینکه از همان موقعی که بنده استیضاح می کردم آقایانیکه در آن دوره تشریف داشتند و حالا هم اینجا حضور دارند خاطرشان هست که وزیر کشور وقت روزها می آمد و اوراق رنگ رنگ که خلاصه اخبار رادیو مسکوت رادیو بود کوبه

و اینها بود می آورد و روی دیوارها و روی این چوبها سنجاق میکرد برای اینکه بوسیله آن اخبار ثابت کند که ما مزدور روسها هستیم از آنوقت دیگر هر کس باید بداند می داند و این مطلبی که در رادیو باینک تلویح خیلی شیرین گفته شد برای کسی تا زگی نداشت ولی يك مطلبی توی رادیو گفته شد که بنده خیلی خوشوقت شدم اولاً وظیفه ای که ملت ایران بهمده من گذاشته بود.

ثانیاً مجلس شورای ملی تصویب کرده بود راجع بمسئین و عاملین فاجعه سی ام تیرماه چون تا از نطق ایشان بنده شنیدم که ایشان تعجب کرده بودند که ما امضایمان را با دوسه نفر از کسانی که دستشان آلوده بخونهای سی ام تیر هست بملوی هم گذاشته ایم و از این موضوع اظهار گراحت کرده بودند. خیلی خوشوقت شدم گفتم خوب معلوم شد دولت که در این مدت جواب نمیداد و میگفتند که در جریان است جدا مشغول فعالیت بودند حالا سه نفر را کشف کرد فوری اسامی امضاء کنندگان را پیدا کردم توی کاغذها که کار آسانی هم نیست چون این کاغذها زیاد جمع میشود معذک اسامی امضاء کنندگان طرح را پیدا کردم هر جور که خواستم حساب کنم دیدم جور در نمی آید و ظاهر آن هر کس که این حرف را اول شنید گفت مقصود کسانی بوده اند که بکابینه قوام رأی داده اند ولی وقتی من این ورقه را خواندم دیدم که پای این ورقه ۱۶ تا امضا دارد از این ۱۶ امضا ۸ نفرش و کلای عضو فرا کسیون خودمان هستند ۸ نفرش هم کسانی بودند که به قوام رأی دادند اگر فقط توی آن امضاها امضای سه نفر از رأی دهندگان بقوام بود میگفتم بلی این باصطلاح يك بیان مجازی بوده ایشان خواستند اینطور بگویند ولی سه نفر از آن ۱۶ نفری که امضا کرده اند آن طرح را دستشان آلوده بخون شهدای سی ام تیرماه هست و این موضوع را البته بطوری که آقایان نمایندگان محترم هم مسبوق هستند و اطلاع دارند ما از هیئت وزیران سؤال کردیم چون وزرای مسؤل که آن خطابه را تصویب کرده اند میدانند که سه نفر از امضاء کنندگان طرح جزء مسیین سی ام تیرماه بودند دستشان آلوده بخون است و انتظار دارم که هر چه زودتر این توهم واقعی را رفع کنند این که دیگر توهم است که از این ۱۶ نفر کدام سه نفرشان هستند که دستشان آلوده بخون شهدای سی ام تیر است چون اگر می گفتند هشت نفرشان دستشان آلوده بخون است میگفتم خیلی خوب مقصودشان همان هشت نفر است اما حالا باید معلوم شود که این سه نفر کی بودند و این چون ایجاد ابهام میکند برای یکمده ۱۶ نفری و خوب نیست انتظار دارم که این موضوع را هیئت محترم دولت روشن بفرمایند البته در مقدمه هر ایضام يك مطلبی را بطور اشاره عرض کردم روی ضعف بشری که

همه داریم نخواهیم چون آدم خوشش نیاید اشتباهاتش را زیاد بپهن کند و همیشه بگوید بهمین جهت گفتم يك بار اشتباه کردیم بعد نماینده محترم آقای دکتر سنجابی سؤال کردند که پس چرا آن دفعه رأی دادی مجبور شدم که تصریح کنم که اشتباه کردیم البته روی دلایل خلاف اصول بودن این اختیارات بنده يك کلمه صحبت نمیکند برای اینکه اول خودم يك دفعه مرتکب این اشتباه شدم و ثانیاً اگر بخوادم صحبت کنم و دلیل بیاورم از نوشتجات کسانی که خودشان تقاضا کننده یا طرفدار این اختیارات هستند آنقدر می شود گیر آورد که احتیاج به بیانش اینجانب نیست ما فقط بند کردیم دلیل دیگری که راجع باین موضوع است اکتفا خواهیم کرد و چون وقت نزدیک باتمام است اگر جناب آقای نایب رئیس اجازه بدهند و مجلس شورای ملی اجازه بدهد بقیه صحبت های بنده بجلسه آینده موکول بشود (صحیح است)

**۶ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

پیشنهاد ختم جلسه داده اند. البته دو سه نفر هم به بنده تذکر فرمودند و آقای حائری زاده هم شرحی مرقوم فرموده اند که خواننده میشود

**۶ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**نایب رئیس -** چند نفر از آقایان

پیشنهاد ختم جلسه داده اند. البته دو سه نفر هم به بنده تذکر فرمودند و آقای حائری زاده هم شرحی مرقوم فرموده اند که خواننده میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی چون وقت طولانی شد مقتضی است جلسه را ختم کنیم و بقیه نطق را برای جلسه بعد بگذاریم.

**مهندس سپیدی - بقیه ندارد.**

**حائری زاده - مگر تمام شد حرف ها؟**

باید خیلی حرف زده شود.

**نایب رئیس -** از مدتی که امروز به آقای دکتر بقائی اجازه داده شده و ایشان صحبت فرموده اند دقیقه فقط باقی است این پنج دقیقه را هم صحبت بفرمائید.

**دکتر بقائی -** صحبت بنده به دقیقه تمام نمی شود اگر آقایان اجازه بفرمایند که بنده بقیه هر ایضام را بکنم.

**حائری زاده -** ما رأی میدهم که صحبتشان تمام شود.

**دکتر هایگان -** ما رأی نمیدهم.

**نایب رئیس -** جلسه را ختم میکنم.

آقای دکتر بقائی ۵ دقیقه از وقتشان باقی مانده است که جلسه آینده استاده میکنند جلسه آینده روزیکشنبه ساعت ۹ و ربع صبح دستور بقیه مذاکرات آقای دکتر بقائی که ۵ دقیقه مانده است و بقیه مذاکرات در لایحه اختیارات.

یکساعت و نیمه دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد.

نایب رئیس مجلس شورای ملی